

نگار

روز ۲۸ آبان ماه امسال، روز خانواده و تکریم بازنشستگان نامگذاری شده است. چنین روزی افزون بر یک مناسبت تاریخی که همواره باید گرامی داشته شود...

صفحه ۲



نشریه ویژه بازنشستگان صنعت نفت



اشتغال مقبول
بازنشستگی مطلوب

۱۴



خُرخر
موسیقی بد شبانه!

۱۲



بازدید از طرح
احداث زایرسرای (۲)

۷



دریای ایثار
کرانه ندارد

۴



تقدیر از همکاران دیروز
و همراهان امروز

۳

... دوست دارم پدر



نیمه دوم آبان ماه

۱۰۰ سال با صنعت نفت

یادداشت

خانواده

مهمترین نهاد اجتماعی

روز ۲۸ آبان ماه امسال، روز خانواده و تکریم بازنشستگان نامگذاری شده است. چنین روزی افزون بر یک مناسبت تاریخی که همواره باید گرامی داشته شود، باز تأکیدی است بر اهمیت خانواده به عنوان کوچکترین و در عین حال، مهمترین نهاد اجتماعی. خانواده با نهادهای دیگری چون نهادهای آموزشی، پرورشی، اقتصادی، حقوقی، سیاسی و مانند آن، پیوسته در تعامل و همکاری است. عشق به خانواده همواره در اشکال گوناگون مجال ظهور و بروز پیدا می کند و به نمادی از مهر و عاطفه نزد اعضای تشکیل دهنده آن بدل می شود. اندیشمندان و صاحب نظران حوزه جامعه شناسی و انسان شناسی (انترپولوژی) بر این باورند که شناخت جامعه بدون شناخت خانواده ممکن نیست. به ویژه آن که در شرایط کنونی، خانواده در مقایسه با گذشته تحت تأثیر فناوری زیستی و قوانین مدنی دستخوش تغییرات گسترده شکلی و محتوایی شده است. گواهی که تغییرات مورد اشاره، در موارد بسیاری زمینه ارتقای سطح رفاه عمومی و معیشت جامعه را فراهم کرده، اما در زمینه هایی نیز پیامدهای منفی و ناگواری داشته است. تبدیل زندگی دودمانی و جمعی گذشته به زندگی سلولی و تک واحدی امروز، خانواده ها را بیش از پیش در معرض گسست روابط اجتماعی، خویشاوندی و درون سازمانی قرار داده است. خوشبختانه در کشورهایی همانند ایران، سیطره ترندهای سنتی و باورها و اعتقادات فرهنگی مانع چنین گسست و فروپاشی است. پدر و مادر و فرزندان به عنوان اعضای اصلی یک واحد خانوادگی، همچنان از شأن، جایگاه و منزلت برخوردارند. بر خوردارند، تکریم و تعظیم افراد سالمند و الزام به احترام کوچکتر نسبت به بزرگتر به عنوان یک اصل، نهاد خانواده را در ایران از بنیان های استوار و قابل اتکا برخوردار کرده است. همین ویژگی ها موجب شده است تا در پایان نخستین دهه از قرن تازه، باردیگر خانواده و ضرورت حفظ و حراست از کبان آن در کانون بحث و گفتگوی جهانیان قرار بگیرد. هم اینک در هر نقطه ای از جهان و در هر هم اندیشی و نشست مرتبط با ارتقای سطح رفاه و معیشت جوامع، نگاه ویژه متوجه خانواده و کارکرد آن است. آن چه در گفتمان جهانی پیرامون رشد و توسعه بیش از هر نکته دیگری برجستگی و اهمیت پیدا می کند، توسل به راهبردهای علمی و عملی برای حفظ خانواده و تکریم سالمندان و بازنشستگان است، کمالین که در هم اندیشی اخیر تأمین اجتماعی در منطقه آسیا و اقیانوسیه، شرکت کنندگان خواستار توجه بیشتر به تأمین اجتماعی و تقویت آن در مسیر همبستگی خانوادگی و اجتماعی شدند.

این امر به ویژه از آن جهت اهمیت می یابد که افزایش امید به زندگی ناشی از ارتقای سطح بهداشت و رفاه عمومی، جمعیت جهان را در مسیر سالخوردگی هدایت می کند و اگر به صورت همزمان، تمهیداتی برای حمایت و پشتیبانی از چنین جمعیتی در نظر گرفته نشود، آن گاه باید شاهد بروز دشواری های بیشتری برای خانواده ها بود. روز خانواده و تکریم بازنشستگان بر همه خانواده های ایرانی به ویژه زوج های جوان فرخنده باد!

۱۳۳۴
امضای قرارداد تأسیس پالایشگاه نفت از سوی ایران در مدرس هند

۱۳۳۱
تهدید به فسخ قرارداد شرکت نفت انگلیس و ایران از سوی دولت وقت

۱۳۳۳
افتتاح فاز یک میدان گازی پارس جنوبی

۱۳۰۰
تصویب لایحه واگذاری امتیاز اکتشاف و استخراج نفت شمال ایران به شرکت نفتی استاندارد اوپل

نفت و خاطره

بوارده، از ساحل ماهیگیری تا اسکله نفتی

فرشید خدادهادیان

گردید، هدفی به نام بهره برداری از نفت.

برخورد میزبانان بومی با میهمانان بیگانه نیز در نوع خود جالب بود. فارغ از نگرش سیاسی و استعماری که می توان به این موضوع داشت، تعامل فرهنگی به وجود آمده بین دو سوی ماجرا بسیار قابل توجه بود.

بسیاری از ایرانیان با بیگانگان دوستان صمیمی شدند. برخی اصطلاحات خارجی تبدیل به اسامی محلات آبادان شد که از جمله

جالبترین آنها می توان به "کفیشه" اشاره کرد که واژه ای برگرفته از عبارت "کافی شاپ" بریتانیایی بود و به محلی اطلاق می شد که قهوه خانه ای برای خارجی ها در آن ساخته شده بود.

نفت به دست آمده از مسجد سلیمان، پس از تقطیر در آبادان باید به آب های آزاد راه می یافت تا به سواحل انگلستان برسد و به همین دلیل ساحل ماهیگیری محمره و عبادان به نام محلی "بوارده" به دلیل عمق مناسب برای پهلوگیری کشتی های کوچک نفتکش، برای ساخت اسکله بارگیری نفت انتخاب شد.

سال ۱۲۹۱ خورشیدی برابر با ۱۹۱۲ میلادی ساخت و نصب اسکله بارگیری A بوارده آغاز شد و به فاصله کمی به یک اسکله نفتی معتبر تبدیل گردید.

ماهگیران ساحل بوارده، غروب هر روز با لباس کار AIOC (شرکت نفت انگلیس و ایران) از روی اسکله کوچک بوارده حسرت غروب هایی را می خوردند که برای گستراندن تور ماهیگیری به دریا می زدند، اما بوی نفت مدت ها بود که ماهی ها را از ساحل بوارده فراری داده بود!



پس از استخراج نفت در میدان نفتون، لازم بود محصول به دست آمده به بازارهای جهانی راه یابد. بدین ترتیب ساحل آبادان، که تا آن زمان به جز لنج های ماهیگیران "محمره" و "عبادان" شناوری ندیده بود، محل بارگیری کشتی های نفتکش آن روزگار گردید.

پیش از آن مدت ها طول کشیده بود تا سرزمین "عبادان" به محل استقرار بزرگترین پالایشگاه خاورمیانه تبدیل شود. اولین محموله ماشین آلات و

ادوات در تابستان ۱۲۸۹ خورشیدی برابر با ۱۹۱۰ میلادی به آبادان رسید. طراح پالایشگاه، "آندرو کمبل" نام داشت و با کمک مهندس دیگری به نام "جان جلیس پی" طرح اولیه پالایشگاه را تهیه کرد.

آن ها دستگاه های تقطیری از نوع "هندرسون" را که به خوبی کار می کرد و قبلاً نیز در پالایشگاه "رانگون" امتحان خود را پس داده بود، سفارش دادند، اما مشکل آنها برای شروع کار تنها ماشین آلات و ابزار نبود! ساکنان بومی منطقه با صنعت بیگانه بودند. "اروند کنار" روزی آنان را می داد و نخل های خرما وسیله امرامعاش و شغل دوم ایشان بود. "کمبل" و "جلیس پی" از نظر نیروی کار ماهر در مضیقه بودند و این نیاز تا آنجا پیش رفت که انگلیسی ها مجبور شدند با هماهنگی شرکت "فلمنینگ و شرکا" در برمه، تعدادی از نیروهای متخصص مانند سنگ تراش، جوشکار، مکانیک و کمک مکانیک و حتی کارمند دفتری را از ملیت های مختلف کانادایی، ایرلندی، هندی و ... برای تسهیل در کار به آبادان اعزام کنند.

بدین ترتیب بود که آبادان نیز همچون مسجد سلیمان به مجموعه ای ناهمگون از ملیت های مختلف و البته برای یک هدف مشترک تبدیل



انتصابات در وزارت نفت



مهندس اوجی، معاون وزیر
و مدیر عامل شرکت ملی گاز



مهندس بیات معاون وزیر
و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی

به موجب احکام صادره از جانب دکتر مسعود میر کاظمی وزیر نفت، آقایان مهندس عبدالحسین بیات به سمت معاون وزیر و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مهندس جواد اوجی به سمت معاون وزیر و مدیر عامل شرکت ملی گاز و دکتر شجاع‌الدین بازرگانی به عنوان مشاور وزیر و مدیر کل دفتر وزارتی منصوب شدند.

در حکم صادره برای مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، پس از اشاره به سرفصل‌ها و برنامه‌های پیش‌بینی شده برای این صنایع، در خصوص انتظارات وزیر نفت از فعالیت‌های این بخش آمده است:

انتظار دارم با هماهنگی سایر حوزه‌ها نسبت به تهیه برنامه

جامع در ابعاد توسعه دانش محور، اجرای اصل ۴۴، توجه به زنجیره ارزش در توسعه پروژه‌ها با تضمین تأمین خوراک، کاهش قیمت تمام شده، افزایش بهره‌وری و برقراری نظام بهبود مستمر واحدها، تقویت و ارتقای مجدانه ایمنی، بهداشت و محیط زیست اقدامات لازم را به عمل آورید.

در حکم صادره برای مدیر عامل شرکت ملی گاز نیز پس از تشریح سیاست‌ها و وظایف محوله، وزیر نفت خاطر نشان کرده است: انتظار دارم با هماهنگی سایر حوزه‌ها، امکان استفاده مؤثرتر از منابع و ارتقای زنجیره ارزش را در توسعه پروژه‌ها و اطلاع‌رسانی مناسب به آحاد مردم، جهت اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، فراهم نمایم.



در حکم صادره برای دکتر بازرگانی نیز، وزیر نفت متذکر شده است: انتظار دارد با عنایت به جایگاه خطیر حوزه وزارتی، با برنامه ریزی، نوآوری و بهره‌مندی از فناوری و با استفاده از نیروی شایسته و متعهد در امر مکاتبات، ماموریت‌ها، مراجعات، تنظیم برنامه‌ها و با تعامل و هماهنگی با بخش‌های ستاد وزارت و شرکت‌های اصلی و تابعه و سایر حوزه‌های خارج از وزارت متبوع، نسبت به پیگیری و نظارت بر موارد خاص تفویض شده توسط اینجانب به جنابعالی، مطابق با مقررات و ضوابط قانونی اهتمام لازم را مبذول دارید.

چهارمین آیین نکوداشت تجربه و خدمت در صنعت پتروشیمی

تقدیر از همکاران دیروز و همراهان امروز

از وظایف اولیه مسؤولان و مدیران دانست و گفت: امروز بازنشستگی همکارانی را جشن گرفته‌ایم که هر یک روزانه ۱۲ ساعت کار کرده و بهترین ایام عمر را به همراه خانواده در محروم‌ترین مناطق سپری کرده است. این فرد آیینه فردای همه و شایسته بهترین رفتار و کردار است.

تقدیر به شیوه ستی

مهندس شعری مقدم کارکنان صنعت نفت و پتروشیمی را انسان‌هایی کارآمد خواند و گفت: همکارانی که به افتخار بازنشستگی نایل آمده‌اند، همان کسانی هستند که کارهای ناممکن - به زعم دیگران - انجام داده‌اند و در طول سال‌های طولانی خدمت، راه و روشی جز صداقت نشانناخته‌اند و همواره بر این باور بوده‌اند که هیچ یک از ما، باهوش‌تر از همه ما نیست. وی افزود: در گذشته‌های نه چندان دور، بازنشسته‌ها ارج و قرب بیشتری داشتند و سازمان‌ها برای هر کدام به طور مستقل جشن بازنشستگی می‌گرفتند. در این مراسم از بازنشسته‌ها و خانواده‌هایشان تقدیر و هدایای ارزشمندی هم به آنان تقدیم می‌شد.

مهندس شعری مقدم که در طول سال‌های پایانی خدمت، مدیریت مجتمع پتروشیمی بندر امام را برعهده داشت و به یاری نیروهای منتخب خود، تحولات مثبت و ارزشمندی در منطقه ایجاد کرد و در جریان اجرای پروژه‌های مختلف از توان و ابتکار و خلاقیت همه نیروهای کارآمد بهره برد، دوره مدیریت در کشور را کوتاه دانست و گفت: مدیران باید فرصت و زمان کافی در اختیار داشته باشند تا ظرفیت‌ها، امکانات و توانمندی‌ها را ارزیابی کنند و به برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری بپردازند. مهندس شعری مقدم در بخش پایانی سخنان خود از معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی خواست رسم خوشایند و قدیمی تقدیر از بازنشستگان - به گونه‌ای که پیشتر اشاره کرد - در شرکت پتروشیمی احیا شود.



گام برمی‌دارد و بازنشستگی به معنای تغییر منزل و یا تعویض وسیله نقلیه و تحولاتی از این دست در مسیر است.

وی گفت: وقتی بازنشسته می‌شویم، مسؤولیت اجرایی در محل کار از ما سلب می‌شود و رسالت و مأموریت دیگری جای آن را می‌گیرد. رسالت بازنشسته این است که برای آرایش تجربه‌هایش و انتقال آنها به دیگران برنامه‌ریزی کند.

آیینه فردای ما

مهندس نژادسلیم مدیر عامل پیشین شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سخنان کوتاهی، تحولات مهم دوره یک ساله مسؤولیت خود را برشمرد و تصریح کرد: ما این گفته را که نیروی انسانی ارزشمندترین سرمایه است، در عمل به مورد اجرا گذاشتیم و در صنعتی که نزدیک به تمامی کارکنان آن به نوعی از تخصص برخوردارند، به نیروی انسانی متخصص بها دادیم و بی‌اعتنا به مسایل حاشیه‌ای، کوشیدیم بیشترین بهره‌وری را از انسان و ابزار به عمل آوریم. مهندس نژادسلیم پاسداشت کرامت انسانی را

کمال طلبی

مهندس بیات در آغاز از این که در نخستین روز مسؤولیت خود و در آستانه میلاد امام هشتم «ع» به عنوان معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی و مدیر عامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی در آیین نکوداشت تجربه و خدمت در جمع همکاران بازنشسته و خانواده‌هایشان حضور یافته، ابراز خرسندی و خشنودی کرد. وی بر اهمیت خلقت زن در نظام هستی تأکید کرد و حمایت خانواده‌ها به ویژه همسران را از عوامل مهم در موفقیت کارکنان خواند.

معاون وزیر نفت، کمال طلبی را از ویژگی‌های ارزشمند انسان دانست و گفت: مسیر تکامل بی‌انتهاست و انسان به طور دائم در این مسیر در حال حرکت و از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در حال تغییر است.

مهندس بیات تصریح کرد: تعاریف و تعابیر بسیاری برای بازنشستگی وجود دارد که با برخی مثل «تولدی دیگر» و «موافق نیستیم» به اعتقاد من یک بازنشسته همچنان در مسیر زندگی

چهارمین آیین نکوداشت تجربه و خدمت و جشن تقدیر از بازنشستگان نیمه دوم سال ۸۷ و نیمه اول سال ۸۸ یعنی همکاران دیروز و همراهان امروز شرکت ملی صنایع پتروشیمی صبح روز پنج‌شنبه هفتم آبان همزمان با میلاد امام هشتم «ع» در ساختمان شماره ۱۰۴ خیابان شیخ بهایی شمالی برگزار شد.

در این مراسم که با حضور مهندس بیات معاون وزیر نفت و مدیر عامل جدید شرکت ملی صنایع پتروشیمی، مهندس نژاد سلیم مدیر عامل پیشین و اعضای هیأت مدیره و خانواده‌های بازنشستگان و نمایندگان رسانه‌های جمعی ترتیب یافته بود، مهندس بیات سخنان کوتاهی ایراد کرد و با تأکید بر روح کمال طلبی انسان، بازنشستگی را تغییری در مسیر تکامل دانست.

مهندس نژاد سلیم مدیر عامل پیشین شرکت ملی صنایع پتروشیمی و مهندس شعری مقدم مدیر پیشین منطقه پتروشیمی بندر امام و از پیشکسوتان این صنعت نیز در این مراسم سخن گفتند. در پایان با اهدای لوح تقدیر و هدایا، از زحمات همکاران بازنشسته و حمایت‌ها و همراهی‌های همسرانشان تقدیر به عمل آمد و آنان نیز با بیان عبارتهای کوتاه، منویات قلبی خود را بر زبان آوردند.

تدوین و توزیع کتابچه‌ای با عنوان «بازنشستگی، تولدی دیگر» حاوی مشخصات و مشاغل و مسؤولیت‌های بازنشستگان نیمه دوم سال ۸۷ و نیمه اول سال ۸۸ صنعت پتروشیمی، پخش فیلم گفت‌وگو با بازنشستگان و تدارک و اجرای برنامه‌های متناسب با شأن و سلیقه بازنشستگان و خانواده‌ها، از نقاط قوت چهارمین آیین نکوداشت تجربه و خدمت بود که به کوشش روابط عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی به اجرا در آمد.

اشاره

چهارمین اردوی فرهنگی بازنشستگان ایثارگر از جمعه هفدهم تا چهارشنبه بیست و دوم مهر توسط صندوق بازنشستگی در مجتمع محمودآباد برگزار شد. خانواده‌های معزز شهید، جانبازان و آزادگان که با استفاده از هواپیما و قطار از شهرهای دور و نزدیک همچون محمودآباد ریگان در ۱۷۰ کیلومتری بهم، مشهد، بندرعباس، امیدیه، اهواز، آبادان، شازند، ساوه و... خود را به تهران رسانده بودند پس از اقامت شبانه و استراحت در هتل در مقابل پارکینگ شیراز گردهم آمدند و با هماهنگی و نظارت گروه میزبان سوار اتوبوس شدند و به سوی محمودآباد حرکت کردند.

هر چند با عبور اتوبوس از پلیس راه جاده هراز، سفر آغاز می‌شود و سرنشینان رنگ مسافر به خود می‌گیرند و فیلم فارسی پخش می‌شود، اما گفت‌گویی شماری از میهمانان همچنان ادامه دارد: خانواده‌ای نگران تهیه بلیت بازگشت از تهران به شهر محل سکونت خود است، اعضای دو خانواده پرجمعیت که به قول خودشان از آن سردنیا - حدود ۱۷۰ کیلومتری بهم،

شهر محمودآباد ریگان - آمده‌اند، مایل‌اند گشتی هم در تهران بزنند و بعد از این همه سال، پایتخت پرود و دم و شلوغ کشورشان و ساکنانش را تماشا کنند، مادری که دو فرزند دانش‌آموز خود را به خواهرش سپرده و همراه همسر جانباز و فرزند سومش عازم سفر به محمودآباد شده، به همسرش می‌گوید: خوب است به خانم مدیر زنگ بزنم و اجازه بچه‌ها را بگیرم. دل‌م برایشان تنگ شده، وانگهی خدا می‌داند چند سال دیگر پای ما به محمودآباد برسد، و زنی که چادرش را جمع و بین سرش و شیشه اتوبوس حایل کرده با لحنی حسرت‌بار به دختر نوجوانش می‌گوید: اگر خدا بیاورم ذبیح... را شهید حساب کنند، من می‌شوم همسر شهید، شماها هم می‌شوید فرزندان شاهد. من که

دیگر آرزویی ندارم. و دختر نوجوان نگاه خیره‌اش را از جاده برمی‌گیرد و به چشمان نمناک مادرش می‌دود و می‌گوید: کاش بابا به جای من کنار شما نشسته بود... راستی ماما! اگر بابا از نظر دیگران هم شهید باشه، من می‌تونم شبانه درس بخونم؟

فیلم سینمایی دوم که به پایان رسید اتوبوس از محمودآباد عبور کرد و چند دقیقه بعد در سمت راست جاده، در امتداد گذرگاهی که به مجتمع ختم می‌شود، برج‌های سپید و رویایی، مثل قوهای سفید نشسته در کنار هم، پدیدار شدند. وقتی راننده، سرعت اتوبوس را کم کرد و با اشاره به برج‌ها، از مسافران خواست وسایل شخصی خود را در اتوبوس «به جا» نگذارند، آه شوق از نهاد خانواده‌هایی که حتی بیرون از استان محل زندگی خود را ندیده بودند برخاست: پس این محمودآباد که میگن، همین جاست؟!...

مجتمع محمودآباد (محوطه سبز ساحلی، چایخانه جنگلی، نسیم معطر دریا که گویی به روح و روان آدم‌ها دست نوازش می‌کشید، تاب‌ها و سرسره‌هایی که کودک درون آدم‌ها را از خواب فراموشی بیدار می‌کرد و به جنب و جوش و بازی فرا می‌خواند، و... تنها پس از مدت کوتاهی که از استقرار خانواده‌ها در برج شقایق می‌گذشت به رویایی شیرین بدل شد و دغدغه‌ها را از قفس تنگ سینه بیرون راند.

بعدازظهر شنبه، خانواده‌های معزز ایثارگر در چایخانه جنگلی جمع شدند و همراه با پذیرایی از سوی تیم خدماتی میزبان، نشست دوستانه‌ای برگزار کردند. خانواده‌ها با یکدیگر آشنا شدند و ایثارگران، در پی یافتن هم‌زمان و هم‌سنگران، همه تن چشم شدند و خیره به چهره‌های زمان زده نگریستند. روز یکشنبه با زیارت مرقد پاک امامزاده عبدا... (ع) گذشت و روز دوشنبه برنامه زیارت عاشورا و فاتحه خوانی بر سر آرامگاه‌های شهید در امامزاده فضل(ع) به اجرا درآمد. بعداز ظهر همان روز، شماری از مدیران صندوق در جمع ایثارگران حاضر شدند و ضمن شنیدن درد‌ها، به مشکلات و تنگناها توجه کردند. آقایان: موسوی امام جماعت، اکبری مسؤول ستاد ایثارگران صندوق، قهاری دبیر شورای فرهنگی و فرمانده بسیج، خطیبی رئیس مجتمع، و آزاده سرافراز سید محسن یحیی که همچون دیگر ایثارگران، میهمان صندوق بود. روز سه‌شنبه، خانواده‌های میهمان به بابلسر انتقال

و نیز حمایت عملی از فرشته بمبویانی و فراهم ساختن زمینه تحصیل او به عنوان سوغات ویژه اردوی چهارم ایثارگران انتخاب و مطرح شد که بی‌تردید از سوی مسؤولان فرهیخته و دلسوز صندوق بی‌پاسخ نخواهد ماند. در ادامه این نوشتار، چکیده‌ای از گفت‌وگوی گزارشگر زندگی نو با آزاده سرافراز سیدمحسن یحیی و چند خانواده ایثارگر از نظر خوانندگان می‌گذرد. و اکنون دو یادآوری:

یادآوری اول: برگزارکنندگان و مدیریت اجرایی اردوی چهارم که اردوی پاییزی نیز نامیده می‌شود - هر چند حال و هوایی بهاری داشت - مراتب تشکر و قدردانی خود را از حجت‌الاسلام و المسلمین موسوی روحانی و امام جماعت، آقای خطیبی رئیس مجتمع محمودآباد، آقای ارادتی معاون مجتمع، آقای کیانی مسؤول برج شقایق و همکاران وی، مسؤولان حراست، رستوران، خدمات و همه مسؤولان و کارکنان مجتمع محمودآباد اعلام می‌کنند.

چهارمین اردوی ایثارگران در محمودآباد

دریای ایثار، کرانه ندارد



یادآوری دوم: دیدار و گفت‌وگو با مسؤولان و مدیران ارشد وزارت نفت که به طور مستقیم در ستاد امور ایثارگران وزارت نفت و چهار شرکت اصلی و یا به طور غیر مستقیم، مسؤولیت و رسالت رسیدگی به امور خانواده‌های معزز شهید و ایثارگران را برعهده دارند و همچنین تشکر و تقدیر از تلاش خدایسندانه و زحمات بی‌دریغ آنان، از خواسته‌های عمده و اولیه خانواده‌های ایثارگر بوده و هست که در جریان برگزاری اردوی چهارم نیز به طور مکرر ابراز و مطرح شد.

از قرار اطلاع، هم‌زمان با برگزاری اردوی چهارم در مجتمع محمودآباد، نشست مدیران یادشده نیز در تهران برپا شد و خانواده‌های ایثارگر پس از انتشار اخبار مربوط به این نشست، درصد برآمدند مراتب گله‌مندی خود را اعلام دارند و از متولیان پرتلاش امور ایثارگران بپرسند چرا این جلسه در محمودآباد و در مکانی که عطر یاد و خاطره شهیدان و ایثارگران در آن جاری بود برگزار نشد؟ در ادامه این نوشتار، چکیده گفت‌وگوهای انجام شده با مهندس یحیی و خانواده‌های ایثارگر را می‌خوانید.

فرهنگ ایثار

مهندس یحیی در آغاز به تبیین فرهنگ ایثار و لزوم بها دادن به آن و توجه به ایثارگران پرداخت و «ایثار» را کلید رهایی مؤمنان از سلطه و دستیابی به استقلال و آزادی دانست. وی گفت:

یافتند و در برنامه مهیج و دلنشین قایق سواری شرکت کردند. بعدازظهر همان روز، برنامه‌ای متفاوت، شاد و خاطره‌انگیز به ابتکار خانواده‌های ایثارگر به اجرا درآمد. بنا به درخواست یکی از ایثارگران به نام علی حشمتیان و موافقت رئیس مجتمع، جشن تولد نرگس حشمتیان سه ساله در یکی از آلاچیق‌های ساحلی برگزار شد و خانواده‌های ایثارگر ساعاتی را به خنده و شادی گذراندند. نکته این که آقای تفکری و یارانش در کسوت میهمان در جشن تولد نرگس شرکت کردند و همراه دیگران کیک تولد خوردند. پیش از ظهر چهارشنبه بعداز صرف ناهار، آقای تفکری و یارانش که تمام ساعات شب گذشته را با برنامه‌ریزی برای بازگشت خانواده‌ها به شهرهای محل اقامت‌شان سپری کرده بودند، خانواده‌های میهمان را در اتوبوس‌ها جای دادند و بدرقه کردند.

سوغات سفر

از آنجا که در پایان هر یک از اردوهای فرهنگی ایثارگران، یک موضوع خاص به عنوان سوغات سفر انتخاب می‌شود و در بازگشت به تهران، به طور ویژه از سوی برگزارکنندگان اردو و همچنین نشریه «زندگی نو» مورد پیگیری قرار می‌گیرد، این بار نیز درخواست خانواده‌های بمبویانی، رزمگه و چند خانواده دیگر در خصوص شهید تلقی شدن سرپرستان خانواده‌هایشان

دعوت از ما و فراهم آوردن مقدمات این سفر، سبب شد خانواده ما برای اولین بار از آن محمودآباد محروم و دورافتاده فاصله بگیرد و به این محمودآباد زیبا که شبیه بهشت است بیاید و روی دیگر سکه زندگی را ببیند. وضعیت نابه‌سامان زندگی و بیماری ذیبح... پیامدهای نامطلوبی داشت از جمله آن که فرزندان او از نظر درسی در شرایط نامناسبی قرار گرفتند و یکی از آنان که فرشته نام دارد و هفده ساله است نتوانست درس بخواند. او در اوج بیماری پدر، فرشته نجات و یار و یاور همیشگی‌اش بود و پس از فوت پدر نیز بیش از دیگران سنگینی بار غم پدر را بر دوش کشید. فرزند پسر ذیبح... می‌گوید پدرم شهید زنده بود. او ساعاتی پیش از شهادت از من قول گرفت اگر خدای ناکرده باز هم جنگی در گرفت، بی‌درنگ به جبهه بروم و از ایران و اسلام دفاع کنم. پدرم با آرزوی شهادت از این دنیا رفت و حق اوست که شهید تلقی شود و من و خواهرانم هم حق داریم فرزند شهید باشیم.

همسر و دختران ذیبح... هم همین خواسته را با اشک‌هایشان از مسوولان می‌خواهند. فرشته هر بار که مرا می‌بیند، این جمله را با اشک‌هایش تکرار می‌کند: آقا خواهش می‌کنم طوری بنویسید که پدرم شهید باشد و من هم بتوانم درس بخوانم. حیف که سواد ندارم؛ اگر نه، برای مقام معظم رهبری، مهندس جشن‌ساز و آقای محمدی نامه می‌نوشتم...

خانواده بمبویی، یک همسر نیز دارد: فاطمه رزمگه، همسر جانباز علی رزمگه و فرزندانش، همشهری و «هم‌آرزو»ی خانواده بمبویی هستند و از مسوولان می‌خواهند کمک کنند تا آنان بتوانند واژه «شهید» را به اول نام علی رزمگه اضافه کنند چرا که او همه خصوصیات شهید را دارا بود و با آرزوی شهادت از این دنیا رفت.

رهای

محمود حسینی راد متولد سال ۳۳ با ۲۴ سال سابقه خدمت در پالایشگاه تهران و ۲۵ درصد جانبازی، از نظر مالی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. قلبش بیمار است و بر اثر موج‌گرفتگی در جبهه، گاه تعادل عصبی خود را از کف می‌دهد و در سال ۷۹ نیز ناخواسته دست به اقدامی زد که می‌توانست همه افراد خانواده را به نیستی بکشاند. وی همراه با همسر و شش فرزندش در خانه‌ای استیجاری زندگی می‌کند و بخش بزرگی از مستمری بازنستگی را بابت اجاره ماهانه می‌پردازد. فرزندانش آقای حسینی راد همگی تحصیلات دانشگاهی دارند اما بی‌کارند و از دفترچه بیمه نیز محرومند. آقای حسینی راد از مسوولان می‌خواهد کمکش کنند و از آنچه «ورطه هولناک» می‌نامد، رهای سازند.

سپاسگزارم

محمد مفتخر جانباز ۱۵ درصدی، سال‌ها در پالایشگاه گاز بیدبلند خدمت کرده است. تنها پسرش فوق لیسانس مهندسی نفت است، دختر بزرگش مدرک مهندسی بهداشت عمومی دارد و دختر سوم برای ورود به دانشگاه آماده می‌شود. آقای مفتخر نزدیک به ۴۰ سال سابقه خدمت دارد که ۳۶ سال آن در واحد حراست سپری شده است. وی در جریان هجوم هواپیماهای دشمن به پالایشگاه گاز بید بلند از نواحی چشم، گوش و کتف آسیب دید و به درجه جانبازی نایل آمد.

آقای مفتخر تنها به این دلیل به سراغ گزارشگر «زندگی نو» آمده است که از آقای تفکری و یارانش آقای رجبی، آقای باقری، آقای خطیبی رییس مجتمع و آقای کبابی مسوول برج شقایق به خاطر رفتار و کردار شایسته و هم‌شان با خانواده‌های ایثارگر تشکر کند.

اعلام درصد جانبازی پدرشان به میزان ۲۹ درصد انجام شود تا یکی از فرزندان به استخدام نفت درآید و جای خالی پدر را پر کند! خانواده حریمی همچنین رفتار و کردار مسوول برگزاری این اردو را آرامش‌بخش و دلگرم‌کننده می‌دانند.

شهید عقیل

مژگان حق‌وردی همسر آزاده سرفراز و جانباز رزمنده عقیل مرادی می‌گوید: عقیل سال ۶۷ در کسوت سربازی به جبهه رفت و دو سال بعد با ۲۵ درصد جانبازی و حدود دو سال آزادی به خانه بازگشت و چهار ماه بعد از دواج کردیم. عقیل ۱۵ سال در آتش‌نشانی پالایشگاه سازند اراک خدمت کرد و بعد با احتساب دوران اسارت در سال ۸۳ بازنست شده. عقیل در طول دوران اسارت آسیب‌های روحی و جسمی زیادی را تحمل کرد و بارها شکنجه شد که به همین دلیل ما هرگز بچه‌دار نشدیم. عوارض سوء هاضمه عقیل پس از ادواج تشدید شد به طوری که در طول ۲۴ ساعت فقط یک وعده غذا می‌خورد. سرانجام در بهار سال ۸۸ پس از چهار ماه بستری شدن در بیمارستان درگذشت و من تکیه‌گاه و سرچشمه آرامشم را از دست دادم. پس از رفتن عقیل، تنها دلخوشی و آرزوی من این است که به پاس رنج‌ها، دردها و از خودگذشتگی‌های عقیل، به افتخار همسر شهید بودن نایل شوم. همسرم بر اثر شکنجه‌های جسمی و روحی دشمن عقیم و دچار سوء هاضمه شد و

سال ۷۵ که به افتخار بازنستگی نایل شد، در بندر بهرگان به خدمت ادامه داد.

فریده الیاسی همسر آقای حیدری‌فر و دو فرزندش، اردوهای محمودآباد و زایر سرا را بسیار مفید برای وضعیت روحی ایثارگران و تنوعی برای خانواده‌ها ارزیابی می‌کنند و می‌گویند رزمندگان دیروز و ایثارگران امروز پس از سال‌ها در این مجتمع زیبا به هم می‌رسند و همراه با امواج کف‌آلود دریا و دود سفیدرنگ هیزم نیم سوخته در چایخانه جنگلی، خاطره‌های تلخ و شیرین دفاع مقدس را زنده می‌کنند. آقای حیدری‌فر می‌گوید ایثارگران نفت در قیاس با دیگر هم‌تایان خود وضعیت بهتری دارند و اگر بنیاد امور جانبازان و ایثارگران، دست به تمرکززدایی بزند و انجام امور ایثارگران را به وزارتخانه و دستگاه دولتی یا غیردولتی مربوط واگذار کند، شاهد تحولی اساسی در وضعیت کلی ایثارگران خواهیم بود. خانواده حیدری‌فر نیز هم‌صدا با دیگران ضمن ابراز تشکر از برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده، از مسوولان صندوق می‌خواهد برگزاری اردو در مناطق دیگر از جمله شیراز، اصفهان، آبادان، کیش، سوریه و... را نیز در دستور کار قرار دهند.

خط تکه‌دار!...

مصطفی حسینی ۴۳ ساله، زمستان سال ۶۳ در منطقه حاج عمران، خط‌نگهدار بود. همان‌جا مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت و چشم راست خود را از دست داد.



تنها شربت شهادت بود که او را به آرامش ابدی رساند. از مسوولان می‌خواهم ضمن مکاتبه با بنیاد شهید، ترتیبی اتخاذ کنند که فیض شهادت از عقیل مرادی دریغ نشود.

از محمودآباد تا محمودآباد!

صغری بمبویانی دختر عمو و همسر بازمانده ذیبح... بمبویانی جانباز ۴۰ درصدی است که به اتفاق فرزندانش از محمودآباد ریگان در ۱۷۰ کیلومتری بم به محمودآباد آمل آمده است. ذیبح... بار اول در سال ۶۳ به جبهه رفت و پس از مدتی با ترکشی در پهلویش به بیمارستان اعزام شد و به خانه بازگشت. او پس از بهبود نسبی بار دیگر به منطقه شتافت و پس از مدتی در حالی به خانه بازگشت که یک چشم خود را از دست داده بود و جراحاتی نیز از بمباران شیمیایی دشمن با خود داشت. خانواده‌اش می‌گویند او شهیدی زنده بود که در انتظار شهادت می‌سوخت و می‌ساخت و آرزو داشت به محفل شهیدان راه یابد. زمانی که در پمپ بنزین کار می‌کرد، بارها چشم مصنوعی او به دلیل باد شدید که در منطقه می‌وزید به زمین افتاد و سرانجام شکست. اما او نه تنها گله و شکایتی نکرد، بلکه رزمنده و جانباز بودن خود را نیز بیان نمی‌کرد و می‌کوشید این موضوع را پنهان کند. همسر و فرزندانش ذیبح... بمبویانی از آقای تفکری تشکر می‌کنند و می‌گویند وی با تماس تلفنی،

این جانباز ۴۵ درصدی که از ساوه به محمودآباد آمده، پس از گذشت این همه سال، همچنان خود را رزمنده‌ای ساده و بی‌ادعا می‌داند و هنوز هم، خط‌نگهدار است. او از خط مستقیم جانبازی و ایثارگری نگهداری می‌کند و مراقب است این خط خدایی، به چپ و راست منحرف نشود. سید مجید پسر آقای حسینی می‌گوید: مجتمع محمودآباد نسبت به ۱۶-۱۵ سال پیش که برای اولین بار به اینجا آمدیم خیلی بهتر شده. امیدوارم دفعه بعد هم بهتر از حالا باشد؛ البته نه ۱۶-۱۵ سال دیگر!...

افزایش درصد

سعید حریری از بازنستگان پتروشیمی آبادان است. سال ۶۸ به پتروشیمی پیوست و سال ۸۲ به استاد طرح‌الحاقی به افتخار بازنستگی نایل آمد. آقای حریری می‌گوید زمانی که به جبهه جنگ رفتم، رزمنده‌ای گمنام بودم که دفاع از میهن، مردم و اسلام را وظیفه و تکلیف خود می‌دانست. بعد از جانباز شدن هم به همین فکر پایبند بودم و به همین دلیل تشکیل پرونده ندادم تا این که همسرم این کار را انجام داد و کمیسیون پزشکی بنده را جانباز ۲۰ درصدی اعلام کرد و در حال حاضر هم مقدمات افزایش درصد جانبازی بنده به ۲۹ درصد در حال انجام است.

ساحره، ساجده، فاطمه و محسن حریری از مسوولان می‌خواهند هماهنگی‌های لازم در زمینه

توصیه فرهنگ ایثار این است که برائت فشارها و مشکلات زندگی از انجام وظایف و تکالیف خود سرباز زنیم و اگر خدای ناکرده کشور و نظام به مخاطره افتاد، از خواسته‌ها بگذریم و به دفاع از ایران و اسلام بپردازیم. وی در بخش دیگر به ارزیابی نحوه ارائه خدمات به ایثارگران پرداخت و گفت: ارائه خدمت یک چیز است و روشی که برای ارائه بهتر و کامل‌تر خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرد چیز دیگر. برای مثال آقای تفکری با جان و دل واز صمیم قلب با ایثارگران و خانواده‌هایشان در ارتباط است و به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر به کار خود ادامه می‌دهد. اگر خدای ناکرده این خدمات همراه با شایبه ریا و تظاهر باشد، مقبول نمی‌افتد و اگر خالصانه و مخلصانه باشد، تأثیرگذار و سازنده خواهد بود. مهندس یحیی یادآور شد: هر گونه اقدامی در جهت تشکر و تقدیر از خانواده‌های ایثارگر از جمله برگزاری اردوهای فصلی در محمودآباد و زایر سرا می‌شود می‌تواند در تعمیم و اشاعه فرهنگ ایثار مؤثر باشد. عملکرد اندیشمندانه صندوق در ارائه خدمات به ایثارگران این بار نیز با انتخاب آقای تفکری به عنوان «معلم اخلاق» در ارتباط با ایثارگران نمود پیدا کرد و من شخصا در این چند روز شاهد رفتار و کرداری درخور تکریم عملی و واقعی ایثارگران و خانواده‌هایشان بودم و خوشحالم از این که صندوق بازنستگی نفت در پی ارائه خدمت ارزشمند و بی‌دری به بازنستگان و جلب

رضایتمندی این خانواده بزرگ، در زمینه خدمات رسانی به خانواده‌های معزز شهید، جانبازان، آزادگان و ایثارگران نیز عملکردی موفقیت‌آمیز دارد و می‌تواند الگویی برای دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌ها باشد.

فقط تشکر

زهرا و ذیبح... نخب‌تازه نامزد شده بودند که «ذیبح» برای مدتی به جبهه رفت و پس از سه سال اسارت به خانه بازگشت و ۲۵ درصد جانبازی سوغات آورد. کسی چه می‌داند؛ شاید سختی‌های سه سال بالاتکلیفی و بی‌خبری و انتظار سبب شده دختر دایی و پسر عمه و دو فرزندشان قدر وضعیت موجود را بدانند و فرصت‌های با هم بودن را مغتنم شمارند.

خانواده رنجبر به جز تشکر و قدردانی از صندوق بازنستگی و مدیریت و کارکنان مجتمع و همچنین آرزوی حضور دوباره در اردوی ایثارگران حرف دیگری ندارد و داشته‌های خود را برای دستیابی به حس شیرین خوشبختی و کامیابی کافی می‌داند.

میعادگاه

ابراهیم حیدری‌فر در زمستان سال ۵۵ به استخدام شرکت نفت فلات قاره درآمد. در پاییز ۵۹ در منطقه عملیاتی آبادان به جایگاه رفیع جانبازی (به میزان ۴۵ درصد) نایل آمد و به اسارت‌گاه دشمن انتقال یافت. وی پس از ۹ سال اسارت به میهن بازگشت و تا زمستان



برده و ازسوی دیگر توان فرزندان را برای سرپرستی آنان سلب کرده است.

در این شرایط وضعیت سالمندانی که فاقد فرزند و بستگان نزدیک هستند به مراتب از دیگر سالمندان بدتر و گذران زندگی برای آنان دشوارتر است.

شرایط جدید خواه ناخواه مشکلات زیادی را هم برای سالمندان و هم سرپرستان آنها به وجود آورده اما با این همه نباید وظایف اخلاقی را فراموش کنیم و نسبت به اوضاع جدید و ناخوشایندی که سالمندان را احاطه کرده است، بی تفاوت باشیم.

وضعیت موجود ممکن است در آینده از این نیز اسفبارتر شود اما آنچه مهم است توجه به وظایف اخلاقی است زیرا قوانین بیمه، بازنشستگی و رفاه و ... در صورت غافل شدن ما از سالمندان هیچ تاثیری در وضعیت آنان نخواهد داشت.

راهکارهایی که برای خروج سالمندان از شرایط دشوار کنونی ارائه شده بیش از هر چیز به استقلال مالی و مادی آنان توجه دارد.

متأسفانه بیمه‌های خدمات درمانی و تکمیلی فراگیر نیست و در عین حال بسیاری از پزشکان و مراکز درمانی در برخورد با بیماران سالمند اشتیاق و همدلی نشان نمی‌دهند و هزینه‌هایی را پیشنهاد می‌کنند که از عهده سالمندان خارج است. این مساله باعث شده بیشتر سالمندان ترجیح دهند با بیماری‌های خود بسازند، اما می‌توان با سامان‌دهی وضع بیمه‌های درمانی، امکان استفاده سالمندان را از خدمات درمانی فراگیر و خدمات دارویی، آزمایشگاهی و... فراهم ساخت.

در شرایطی که سالمند به مراقبت فرزند خود نیاز دارد، باید شرایطی برای معافیت از برخی مسؤولیت‌های اجتماعی برای فرزند متعهد، جهت سرپرستی از پدر و مادر سالمند فراهم شود. علاوه بر این، می‌توان با آموزش‌های لازم به افراد جامعه در زمینه‌های گوناگون، آنها را به گونه‌ای تعلیم داد که نه تنها وظایف خود را نسبت به سرپرستی از سالمندان خانواده بهتر درک کنند، بلکه در قبال سالمندانی که در مراکز نگهداری از سالمندان به سر می‌برند احساس مسؤولیت کنند.

در جامعه ما به خصوص در یکی دو دهه اخیر دیده شده که افراد در ادای وظایف اخلاقی مانند خیرات و نیکوکاری نیز نوعی فخر فروشی و برتری‌طلبی از خود نشان می‌دهند که ای کاش به جای پهن کردن سفره‌های رنگین در هتل‌های درجه یک و منازل آنچنانی، این خیرات صرف مراکز نگهداری از سالمندان بی‌سرپرست می‌شد.



به مناسب ۲۸ آبان، روز تکریم خانواده و بازنشستگان

نگهداری از سالمندان وظیفه‌ای اخلاقی و اجتماعی

و در عین حال از اداره امور مادی زندگی خود ناتوان بودند در کنار ما زندگی می‌کردند و در همه احوال نگهداری از سالمندان یک وظیفه اخلاقی شمرده می‌شد، اما اکنون دگرگونی‌هایی که درست یا نادرست، در نظام اجتماعی رخ داده، نهاد خانواده را دستخوش تغییر کرده و از شکل سنتی به حالت جدیدی تغییر داده که نمی‌توان ماهیت آن را به درستی تشخیص داد.

شرایط تازه، سالمندان را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده که بخشی از آن جبری و از نتایج تغییراتی است که در کارکرد وظایف اجتماعی جامعه به وجود آمده است.

شرایط اقتصادی تازه، وضعیت مسکن و محدودیت‌هایی که در ساخت و ساز رخ داده، نیاز به کار کردن زن در خارج از خانه و ده‌ها مورد دیگر از این قبیل، از یک سو امکان زندگی سالمندان را همچون گذشته در زیر یک سقف و در کنار فرزندان و نوه‌ها از بین

جامعه سنتی ایران تحت تاثیر شرایط تازه‌ای که در ساختار زندگی انسان در دوران جدید به وجود آمده، طبیعی است که به سمت جامعه‌ای نوین با کارکردهای تازه جهت‌گیری کند و خواه ناخواه شکل تازه‌ای به خود بگیرد.

بنابراین در شرایط جدید، روابط اجتماعی نیز دستخوش تغییرات گسترده‌ای می‌شود.

بدون شک جامعه ما شکل و ماهیت خود را تغییر داده اما از تعیین راهکارهای اساسی برای ورود به شرایط تازه غافل مانده است.

نمونه بارز این تغییرات اجتماعی را می‌توان در شیوه زندگی سالمندان جامعه ایران مشاهده کرد.

تا دو سه دهه پیش به یاد داریم که مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها و حتی در برخی موارد بستگان نزدیک سالمندان که اولادی نداشته

بهره‌گیری از سالمندان؛ کمک به قشر جوان

افزون بر بی‌توجهی به قشر سالمند، بحران‌های موجود در میان اعضای مهم‌ترین نهاد اجتماعی آثار نامطلوبی در جامعه ایرانی پدید آورده است.

«نسترن حسینی» استاد دانشگاه و روان‌شناس خانواده در این زمینه یادآور شده است که زندگی همه اقشار و نسل‌ها در کنار یکدیگر از دلایل استحکام خانواده‌ها در گذشته بوده و نادیده گرفتن قشر سالمند در نهاد خانواده - که پدیده‌ای تازه در جامعه ماست - پی‌آمدهای ناگواری برجای گذاشته است.

این استاد دانشگاه بر این باور است که مهم‌ترین ویژگی سالمندان، نیاز به توجه است و این نگرش که سالمندان کارایی خود را از دست داده‌اند، عمده‌ترین دلیل شکاف این قشر با نسل جوان است. به عقیده حسینی، جامعه ایرانی به طور ذاتی و جامعه‌شناختی، خواهان زیر پوشش قراردادن تمام اعضای خانواده است.

این روان‌شناس و مشاور خانواده معتقد است بهره‌گیری از سالمندان و بازنشستگان در محیط‌های کاری، فرصت مناسبی را برای آموزش قشر جوان فراهم و به موازات آن احساس غیر مفید بودن را نیز از سالمندان و بازنشستگان دور می‌کند.

بهره‌گیری از سالمندان و

بازنشستگان در محیط‌های

کاری، فرصت مناسبی را برای

آموزش قشر جوان فراهم و به

موازات آن احساس غیر مفید

بودن را نیز از سالمندان و

بازنشستگان دور می‌کند

می‌کنند.

این در حالی است که در اکثر جوامع غربی، سالمندان به تنهایی، یا در خانه سالمندان زندگی می‌کنند که به باور بیشتر متخصصان حوزه طب سالمندی (جسمی و روانی) انزوا و جدایی از جامعه خود عاملی مهم در بروز مشکلات جسمی و بیماری‌های روحی است.

اما آنچه که زنگ خطر را در جامعه ما به صدا درآورده، ترویج تفکر یا ایده‌ای است که طی سال‌های اخیر زمینه طرد سالمندان را از خانواده‌ها فراهم کرده است.

مسأله سالمندان و نحوه برخورد با آنان، با توجه به افزایش رشد جمعیت این قشر، به یکی از مباحث جدی و محوری محافل علمی تبدیل شده است.

آمار و ارقام جهانی حکایت از آن دارد که حدود ۱۰ درصد از کل جمعیت جهان را سالمندان یا گروه سنی ۶۰، ۶۵ ساله به بالا (در برخی از جوامع ۶۰ سالگی و در بعضی دیگر از جمله کشورمان ۶۵ سالگی مبنای گروه سنی سالمند است) تشکیل می‌دهند و پیش بینی شده که تا حدود ۳۰ سال آینده به حدود ۱۰ برابر میزان کنونی برسد.

در کشور ما نیز اکنون جمعیت سالمندان به بیش از ۵ میلیون رسیده و با توجه به رشد جهانی تعداد سالمندان نیز ظرف یکی دو دهه آینده، جهش چشمگیری خواهد داشت. مسأله سالمندی جدا از وجه اشتراک‌هایی که از نظر تامین هزینه زندگی، درمان، رفاه و... در نظام‌های تامین اجتماعی دارد، در هر جامعه‌ای با توجه به فرهنگ و خصوصیات حاکم بر آن تفاوت ماهوی دارد.

آمار و ارقام منتشر شده حاکی از آن است که هنوز تعداد قابل توجهی از سالمندان ایران (۳۰ درصد) در کنار فرزندان و فرزند زادگان خود و تعداد اندکی (حدود ۷ درصد) تنها زندگی

بازدید از طرح احداث زایرسرای (۲)



اجرا قرار دارد. براساس این طرح در مقابل زایرسرای کنونی، مجتمعی تازه در حال ساخت است که طبق برنامه، تا تابستان سال آینده به اتمام می‌رسد و آماده بهره‌برداری خواهد شد.

همچنین براساس طرحی دیگر که با موافقت مهندس جشن‌ساز مدیرعامل شرکت ملی نفت در حال پیگیری است، مقدمات تحویل قطعه زمینی در مجاورت حرم مطهر حضرت (رضاع)، از طرف شرکت ملی صنایع پتروشیمی فراهم آمده که پس از انجام مراحل مربوط، مجتمع تازه‌ای با نام زایرسرای (۳) در آینده نزدیک احداث خواهد شد.

در جریان سفر رییس صندوق بازنشستگی به مشهد مقدس، طرح احداث زایرسرای دوم مورد بازدید وی قرار گرفت. آقای محمدی طی این بازدید، نحوه پیشرفت طرح مذکور را مورد بررسی قرار داد و سرعت بخشیدن به عملیات اجرایی آن را به مجریان یادآور شد. آقای محمدی در پایان این بازدید، اظهار امیدواری کرد که با احداث زایرسرای (۲)، جمع بیشتری از کارکنان شاغل و بازنشسته امکان سفر به مشهد مقدس را یافته و به زیارت بارگاه ملکوتی امام هشتم نائل شوند. گفتنی است که به منظور ایجاد ظرفیت‌های تازه برای افزایش امکانات پذیرایی از زائران، طرحی در قالب زایرسرای (۲) در دست

گزارشی از هم‌اندیشی منطقه‌ای تأمین اجتماعی در منطقه آسیا و اقیانوسیه

اشاره

تأمین مالی برنامه‌های سلامت
(بهداشت و درمان)

بهبود دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و درمانی در کنار کنترل هزینه‌های مربوط، یکی از دغدغه‌های طرح‌های تأمین اجتماعی در بیشتر کشورهای آسیا و اقیانوسیه است. بسیاری از کشورهای آسیایی در حال تجربه گذار از بیماری‌های مسری به بیماری‌های وابسته "سبک زندگی" (life style) هستند که در کنار افزایش طول عمر (امید به زندگی) باعث تحمیل بار مالی بیشتر به سیستم‌های سلامت شده است. در این نشست عنوان شد علیرغم نقش قابل توجه بیمه‌های همگانی سلامت در برخی از کشورها، دسترسی به پوشش همگانی بدون حمایت دولت‌ها و ارائه سوبسیدها امکان پذیر نیست و تأمین مالی طرح‌های سلامت بر اساس مالیات‌ها برای پوشش بخش غیررسمی و فقیر کشور باید به عنوان یک ابزار مفید مطرح باشد.

پوشش مستمری بازنشستگی
و سالخوردگی جمعیت

آینده جمعیت سالخورده در منطقه آسیا و اقیانوسیه چه از نظر تعداد جمعیت و چه از نظر افزایش امید به زندگی یکی دیگر از دغدغه‌های تأمین اجتماعی در این منطقه است. خانم «کوراژون» رئیس اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی در آخرین نشست هم‌اندیشی تأکید کرد باید به تأمین اجتماعی به عنوان حقوق بشری، سرمایه‌ای برای پیشرفت جوامع انسانی و کاهش فقر نگریسته شود. وی افزود: کاهش فقر همچنان یکی از اولویت‌های موجود در آسیا و اقیانوسیه است و نباید فراموش شود که فقیرترین مردم جهان کماکان در آسیا زندگی می‌کنند. گسترش پوشش‌های تأمین اجتماعی در ابعاد مختلف، کمک بسیار بزرگی به کاهش فقر در این منطقه خواهد کرد و آینده بهتری را نوید خواهد داد.

عدالت اجتماعی رویکرد راهبردی تأمین اجتماعی

گزارشی از منصور معین جهرمی و داوود رحمانی فر



اقیانوسیه است، ضمن اشاره به عدم برخورداری بسیاری از مردم از پوشش تأمین اجتماعی در منطقه، ناکافی بودن مستمری‌ها و در دسترس نبودن منابع به عنوان مهم‌ترین چالش‌های مطرح در منطقه گفت: "من مطمئن هستم که نگاه به آینده مدیریت تأمین اجتماعی در منطقه می‌تواند کلیدی برای گسترش تأمین اجتماعی و در نتیجه کمکی برای تقویت پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد".

اقیانوسیه است، ضمن اشاره به عدم برخورداری بسیاری از مردم از پوشش تأمین اجتماعی در منطقه، ناکافی بودن مستمری‌ها و در دسترس نبودن منابع به عنوان مهم‌ترین چالش‌های مطرح در منطقه گفت: "من مطمئن هستم که نگاه به آینده مدیریت تأمین اجتماعی در منطقه می‌تواند کلیدی برای گسترش تأمین اجتماعی و در نتیجه کمکی برای تقویت پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی باشد".

رویکردهای یکپارچه و جامع نگر
در سیستم‌های بازنشستگی

در گزارش "تأمین اجتماعی پویا برای آسیا"

اولین هم‌اندیشی منطقه‌ای تأمین اجتماعی در منطقه آسیا و اقیانوسیه با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از مدیران و کارشناسان مسائل تأمین اجتماعی از سازمان‌های مختلف کشورهای منطقه در روزهای ۲۱ تا ۲۳ اکتبر (۲۹ مهر تا اول آبان) در شهر مانیل، پایتخت فیلیپین برگزار شد. در این گردهمایی که دو تن از همکاران مدیریت برنامه ریزی، پژوهش و محاسبات بیمه‌ای صندوق‌های بازنشستگی، پس‌انداز و رفاه کارکنان صنعت نفت ایران نیز شرکت داشتند، برخی چالش‌های مهم پیش روی تأمین اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. گزارشی که می‌خوانید به وسیله آقایان منصور معین جهرمی و داوود رحمانی فر کارشناسان اعزامی از دفتر مدیریت برنامه ریزی پژوهش و محاسبات بیمه‌ای صندوق بازنشستگی تهیه شده است.

در مراسم افتتاحیه هم‌اندیشی، آقای کونکولوفسکی (Konkolewsky) دبیرکل اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی گفت: بحران مالی و اقتصادی اخیر باعث ایجاد فرصت‌های جدید در امر تأمین اجتماعی و به رسمیت شناختن نقش اساسی تأمین اجتماعی در توسعه اقتصادی و همبستگی اجتماعی شده است.

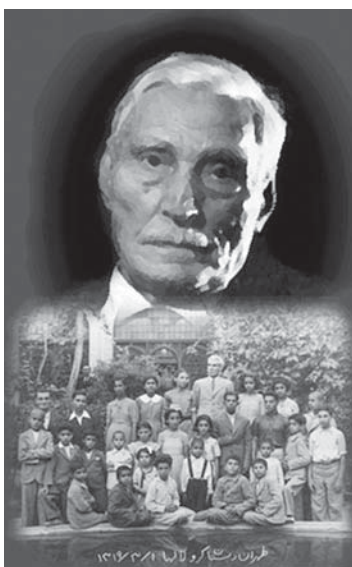
وی به راهبرد نوآورانه و پویا در زمینه تأمین اجتماعی در منطقه اشاره و از اراده سیاسی به عنوان پیش شرطی برای گسترش پوشش موثر و طولانی مدت یاد کرد. وی افزود: مدیران تأمین اجتماعی باید پیوند مهم تأمین اجتماعی با سایر برنامه‌های توسعه‌ای را در سطح ملی تقویت کنند و به پرورش اراده سیاسی برای اقدامات قاطع در زمینه پوشش تأمین اجتماعی برای همه گروه‌های جمعیتی بپردازند. در این نشست، رئیس اتحادیه بین‌المللی تأمین اجتماعی خانم کوراژون (Corazon) که خود فیلیپینی و اولین رئیس اتحادیه از منطقه آسیا-

میانگین سن بازنشستگی در کشور کمتر از ۵۲ سال

میانگین سن بازنشستگی از ۵۸ سال در دهه ۱۳۳۰ خورشیدی، به کمتر از ۵۲ سال در سال ۸۷ کاهش یافته است. محسن بازار نوی معاون مالی - اداری سازمان بازنشستگی کشوری همچنین اعلام کرده است: با وجود افزایش امید به زندگی در ایران در طول سال‌های ۸۴ تا ۸۶، تنها ۶/۵ درصد افرادی که بازنشسته شده‌اند دارای سن مقرر بازنشستگی بوده‌اند. وی هشدار داده کاهش سن بازنشستگی در بلندمدت به ناپایداری وضعیت مالی صندوق منجر خواهد شد. به گفته معاون مالی - اداری سازمان بازنشستگی کشوری میانگین امید به زندگی در ایران به ۷۰ سال رسیده است. این در حالی است که مجلس شورای اسلامی در کنار تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری که در آن سن بازنشستگی کارکنان دولت افزایش یافته، قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت را در شهریور ماه سال ۸۶ تصویب کرده است. محسن بازار نوی خاطر نشان ساخته است که این قانون از سال ۸۷ به اجرا در آمده و تاکنون حدود ۶۰ هزار نفر از کارکنان دولت که تحت پوشش صندوق بازنشستگی کشوری قرار دارند با استفاده از این قانون بازنشسته شده‌اند.

به مناسبت چهارم آذر، سالروز درگذشت باغچه‌بان

یادی از یک معلم ماندگار باغچه پرگل باغچه‌بان



می‌گویند. این روش هم اکنون به عنوان «مترقی‌ترین روش» در مدارس به ویژه کلاس‌های نهضت سوادآموزی و آموزش در مقطع دبستان در سراسر کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی علاوه بر تألیفات فراوان، چند ابزار آموزشی مانند چرتکه‌های حساب و بازی‌های آموزشی اختراع کرد، کشف و اختراع روش شفاهی در تعلیم ناشنوایان، اختراع گوشی استخوانی یا «تلفن گنگ»، کشف خواص صوت‌ها و تقسیم‌بندی آن‌ها، اختراع و تهیه وسایل مختلف بصری برای تدریس به ناشنوایان از جمله اختراعات باغچه‌بان است. اختراع الفبای دستی که مبتنی بر تقسیم‌بندی اصوات است، روش حساب ذهنی ناشنوایان، زبان مصور یا مقدمه تعلیم زبان، اختراع گانه‌ما، اختراع وسیله‌ای برای نشان دادن پستی و بلندی اعماق دریا و اقیانوس و ایجاد روش جدید تعلیم خواندن و نوشتن از دیگر اختراعات باغچه‌بان به شمار می‌رود. باغچه‌بان در حدود ۳۰ عنوان کتاب به زبان فارسی و ۲ جلد کتاب به زبان محلی آذربایجانی از خود به جا گذاشته که یکی از آنها ترجمه رباعیات خیام به زبان محلی آذربایجانی است. زنده‌یاد باغچه‌بان در طول ۸۲ سال زندگی، تا آنجا که در توان داشت برای پیشرفت فرهنگ و دانش کوشید و مشعل آن را به هر جا که پا نهاد، برای فرزندان این آب و خاک افروخت. فرهنگ ایران نام باغچه‌بان را هرگز از یاد نخواهد برد زیرا این معلم بزرگ و انسان واقعی با روحی شاد و امیدوار تا آخرین روزهای زندگی علی‌رغم کسالت مزاج و ضعف ناشی از پیری، از فعالیت باز نایستاد، چون در او بدبینی، ضعف، سستی و تنبلی قابل قبول نبود. سرانجام این مرد بزرگ در غروب روز ۴ آذر ۱۳۴۵ با امید به آینده‌ای روشن برای ناشنوایان، در سن ۸۲ سالگی چشم از جهان فروبست و خورشید عمرش در پی طوفانی از درد و رنج در آرامش ابدی غروب کرد.

کوشش‌های فرهنگی و اجتماعی زنده‌یاد باغچه‌بان از سال ۱۳۹۸ شمسی با آموزگاری در دبستان «احمدیه مرند» آذربایجان آغاز شد. البته پیش از این تاریخ، وی در خارج از ایران (حوزه قفقاز) نیز فعالیت فرهنگی و اجتماعی داشت. کار اصلی و مورد علاقه باغچه‌بان، خبرنگاری بود. نوشتن مطالب فکاهی، طنز و سرودن شعر برای روزنامه معروف قفقاز یعنی «ملانصرالدین» از جمله فعالیت‌های وی بود. او برای مدتی مدیریت مجله فکاهی «لک‌لک» را به عهده گرفت، اما این مجله در نخستین سال جنگ اول جهانی تعطیل شد. نام اصلی باغچه‌بان عسگرزاده، پدرش استاد عسگر بنا اهل رضایه و مادرش اهل قفقاز بود. وی در سال ۱۲۶۱ در شهر ایروان متولد شد و بعدها به مناسبت تأسیس نخستین کودکستان خود در تبریز به نام «باغچه اطفال» نام خانوادگی خود را به باغچه‌بان تغییر داد. به جرأت می‌توان گفت او در پرورش نونهالان جامعه بهترین باغچه‌بان و اسم با مسامی را برای خود برگزیده بوده‌همه فن حریف بود و از وسایل ابتدایی موجود در محیط زندگی برای کودکان اسباب‌بازی و کاردستی تهیه می‌کرد و با علاقه‌ای بسیار برای کودکان شعر می‌سرود؛ قصه می‌گفت، نمایشنامه می‌نوشت و دکور می‌ساخت. یکی از ویژگی‌های کار باغچه‌بان در امر تعلیم و تربیت، استفاده از وسائل سمعی و بصری بود. در «باغچه اطفال» برای نخستین بار به فکر تعلیم و تربیت کودکان ناشنوا افتاد و در این مورد با تعلیم خواندن و نوشتن به ۳ کودک ناشنوی تبریزی قدرت و ابتکار خود را بیش از پیش آشکار کرد، در حالی که در زمینه تعلیم و تربیت کودکان ناشنوا هیچ کلاسی ندیده و هیچ دوره‌ای را طی نکرده بود. به گفته باغچه‌بان روزی که این ۳ کودک ناشنوا در تبریز امتحان می‌دادند، حیاط و بام مدرسه لبریز از مردمی بود که به تماشای خواندن، نوشتن و حرف زدن آن‌ها آمده بودند. زیرا برای آنها باور نکردنی بود که کودکان ناشنوا بتوانند

۴۹

نام‌های آشنا

آرماند هم

(ARMAND HAMMER)

قسمت اول

آمریکایی روسی الاصل



آرماند هم در سال ۱۸۹۸ در یک خانواده مهاجر روسی در نیویورک به دنیا آمد. از جمله عوامل ترقی او عمومی ثروتمندی بود که توزیع اتومبیل‌های فورد را در محل برعهده داشت. در قرن ۱۹ «ادسا» مرکز تجاری بزرگی بود که در آن صاحبان صنایع غرب با بازرگانان خاورمیانه ملاقات می‌کردند. پدر آرماند دکتر «جولیوس همر» که سال‌های بسیاری را در «ادسا» گذرانده و به شغل داروسازی مشغول بود، از طرفداران جنبش چپ به شمار می‌رفت. وی در سال ۱۹۰۷ در اروپا با «لنین» ملاقات کرد و یکی از بنیانگذاران حزب کمونیست آمریکا بود. آرماند، گرایش‌های سوسیالیستی پدرش را نداشت. وی با وجود تحصیل در رشته پزشکی بیشتر به کسب ثروت و فعالیت‌های تجاری علاقه داشت و در سال ۱۹۲۱ راهی روسیه شد. مقصود وی از این سفر بازپس‌گیری ۱۵۰ هزار دلار بود که شوروی‌ها به شرکت داروسازی خانواده وی بدهکار بودند. آرماند در این سفر از طریق آشنایان پدرش به «لنین» معرفی شد. لنین که سابقه گرایش‌های عقیدتی پدر وی را به یاد داشت او را به گرمی پذیرا شد و مقدمات ملاقات وی را با استالین نیز فراهم آورد. او، آرماند را به استالین چنین معرفی کرد: آرماند راه باریکی است که به جهان بازرگانی آمریکا منتهی می‌شود و باید تا سرحد امکان از این راه استفاده کنیم.

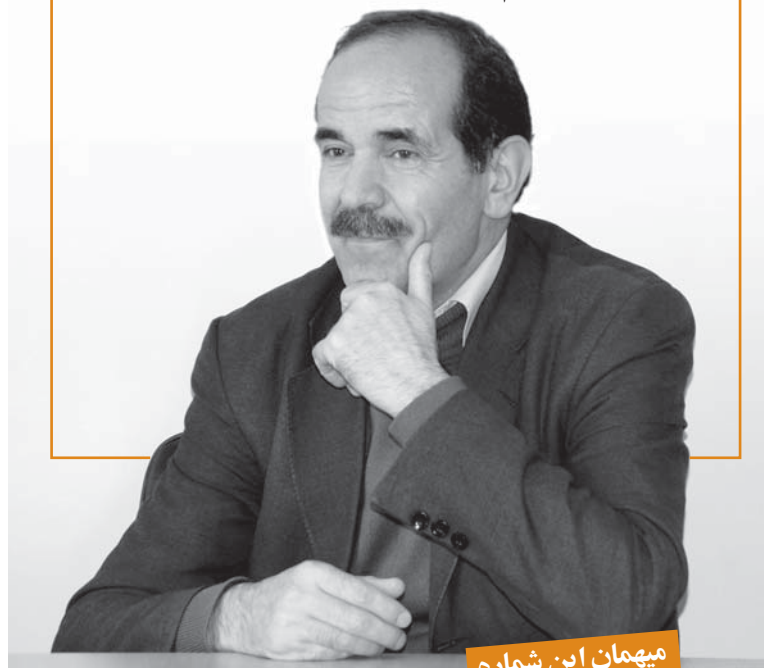
بدین سان «همر» با یاری برادرش «ویکتور» در روسیه ماندگار شد تا تحت سیاست‌های تازه اقتصادی لنین فعالیت‌های خود را آغاز کند. او طی گذران اوقات خود در این کشور با فعالیت در زمینه‌های صدور پنبه‌نسوز، کارگزاری تراکتورهای فورد و توزیع مداد در سراسر روسیه به ثروت سرشاری دست یافت. اما با تغییر سیاست‌های استالین در روسیه، او همراه میلیون‌ها دلار ثروتی که اندوخته بود بار سفر بست و به آمریکا بازگشت.

وی در ۵۸ سالگی، به لوس‌آنجلس آمد تا مانند بسیاری از ثروتمندان دیگر، دوران بازنشستگی خود را در این شهر بگذراند. وی علاوه بر توفیق در فعالیت‌های بازرگانی با استفاده از ذوق هنری خود صاحب یک کارگاه هنری و کلکسیون از آثار مشهور هنری نیز بود. «همر» از این زمان بود که به منظور کاستن از پرداخت‌های مالیاتی به دنیای نفت روی آورد و در این صنعت پررونق به سرمایه‌گذاری پرداخت.

ادامه دارد

هنرمندی از تبار موسیقی سنتی ایرانی

صدایم در نفت شنیده نمی‌شود



میهمان این شماره

موسیقی، مثل یک رود در زندگی‌اش جاری است. از یک سو تشخص نفتی بودن را دارد و از سوی دیگر جایگاه و اعتبار هنرمند بودن را. آقای «صدا» می‌تواند با صدایش به مجالس و محافل گرمی بخشد و زندگی‌اش را از رونق بیشتر برخوردار سازد اما ترجیح می‌دهد در خدمت هنر باشد و با تربیت شاگردان مستعد، دین خود را به موسیقی ادا کند. نام او در فهرست هنرمندان مورد تأیید وزارت ارشاد به ثبت رسیده و روزهای ۲۸ و ۲۹ آبان نیز در کنار «گروه آرام» در فرهنگسرای ارسباران آواز سنتی در دستگاه‌های سه گاه و بیات ترک سر خواهد داد، اما می‌گوید صدایم در نفت شنیده نمی‌شود. میهمان این شماره ما، محمد رؤف قنبری خواننده و مدرس آواز و موسیقی سنتی است. همان سیمای آشنا که در کنار همکاری‌اش در صندوق، به پیشکسوتان صنعت نفت خدمت می‌کند.

آشنایی

محمد رؤف قنبری با ۳۳ سال پیشینه خدمت در صندوق بازنشستگی نفت، متولد اسپندان در نزدیکی شهر قروه از توابع سندج است و به عنوان استاد آواز سنتی و همراهی ساز با آواز ایرانی، از چهره‌های شناخته شده در عرصه پرورش و شکوفایی استعداد های غنچه‌های گلستان فرهنگ و هنر کشورمان به شمار می‌آید. وی در سن ۵۶ سالگی، به عنوان مدرس متخصص، سرگرم تدریس ردیف آوازی موسیقی اصیل و سنتی ایران به دوستداران آواز ایرانی است و سال‌ها در راه اعتلای این فن شریف کوشیده است. قنبری در طول بیش از ۲۲ سال تدریس موسیقی آوایی و ردیف‌های سنتی و با در اختیار داشتن مدرک تخصصی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شاگردان مستعد بسیاری تربیت کرده که تعدادی از آنان به شکل حرفه‌ای در خدمت هنر آواز و موسیقی ایران قرار دارند. استاد قنبری در بهار سال ۵۶ با مدرک لیسانس علوم آزمایشگاهی و تشخیص طبی به صنعت نفت پیوست و پس از هشت سال فعالیت در سازمان بهداری و بهداشت، به صندوق بازنشستگی منتقل شد و از آن تاریخ تا به امروز در این مجموعه فعالیت می‌کند. هنر آواز، میراثی ارزشمند از دوران حیات پربار پدری هنرمند برای فرزندی هنردوست است. آقای

قنبری می‌گوید: پدرم از خوانندگان آوازهای محلی کردستان، قاری قرآن و مؤذن، شاعر، حافظ قرآن مجید و مثنوی معنوی بود که تا سه ماه پیش از فوت در سن ۹۵ سالگی، اشعار خود را در مدح امام زمان «عج» با صدای رسا و پرتوان می‌خواند و علاقه‌مندان را در مجالس و محافل معنوی به فیض می‌رساند. من از دوران کودکی تحت تأثیر آوای دلنشین پدر، به موسیقی و آواز علاقه داشتم و تصنیف می‌خواندم. در نوجوانی به تهران آمدم و در کلاس آواز صداوسیما نام‌نویسی کردم. مدتی در محضر استاد داور شاگردی و بعد در کلاس درس استاد کمالیان شرکت کردم. استاد بعدی من، آقای رجبعلی امیری فلاح بود که همچون دیگر استادان من، از انتقال دانش و تجربه‌هایش به شاگردی جوان و ناپخته چون من دریغ نوزید. اجازه دهید یادآوری کنم که در آن زمان، یک استاد صاحب نام موسیقی، شاگردان منتخب داشت. او جوانان علاقه‌مند را محک می‌زد، عبار خلوص و صداقت آنان را می‌سنجید و در مرحله بعد با اطمینان از توان خوانندگی و آشنایی با دانش موسیقی، افراد مستعد و خالص و صادق و لایق را به شاگردی می‌پذیرفت و دانش و تجربه‌ای را که با رنج و محنت فراگرفته بود به شاگردان و فرزندان مجازی خود می‌آموخت. از سوی دیگر، هنر موسیقی

و خوانندگی، ارج و قرب و هنرمند و خواننده، منزلتی دیگر داشت تا به آنجا که خوانندگان و نوازندگان اصیل و حرفه‌ای با تأیید و موافقت مراجع سخت‌گیر قانونی اجازه می‌یافتند هنر خود را در جمع مردم عرضه کنند و کنسرت بدهند.

موسیقی سنتی در نفت

وزارت ارشاد در قالب طرح تکریم، به هنرمندان بازنشسته مستمری پرداخت می‌کند و نام بنده هم در فهرست هنرمندان مورد تأیید ارشاد در پایگاه اینترنتی این مجموعه به ثبت رسیده اما با تأسف، صدای من و دیگر هنرمندان شاغل در نفت به گوش همکاران نمی‌رسد. من در نامه‌ای به مدیر کل روابط عمومی وزارت به این موضوع اشاره کرده و پیشنهاد کرده‌ام به عنوان یک معلم و مدرس آواز و موسیقی سنتی، آمادگی دارم در خصوص تشکیل کلاس‌های مختلف و متنوع و تدریس موسیقی سنتی با همکاران نفتی و خانواده‌هایشان همکاری کنم و در اشاعه موسیقی سنتی به ویژه در آشفته‌بازار کنونی، نقش داشته باشم. البته بعضی از همکاران به طور خصوصی نزد من آواز و موسیقی سنتی را فرا گرفته‌اند. پیشنهاد دیگر من به مدیر کل روابط عمومی به تشکیل گروه سرود و موسیقی مربوط می‌شود، حقیقت این است که در سطح صنعت نفت نوازندگان خوبی وجود دارند و با استفاده از دانش و تجربه‌های مفید این همکاران هنرمند می‌توان یک گروه سرود در سطح کیفی مطلوب تشکیل داد که به مناسبت‌های گوناگون برای همکاران برنامه اجرا کنند.

دوبار، اول

من در نفت دوبار اولم! حقوق پایه من با ۳۳ سال سابقه کار و تحصیلات دانشگاهی‌ام هیچ گونه مناسبتی ندارد و حتی شماری از همکاران با مدارک تحصیلی پایین‌تر، بیشتر از من حقوق می‌گیرند. دیگر این که هیچ کس در صنعت نفت نمی‌تواند مثل من آواز بخواند!

از این طنز هنری - نفتی که بگذریم، کمتر کسی را می‌توان یافت که آواز نخوانده باشد. بیشتر مردم می‌خوانند و از این کار لذت هم می‌برند اما خواننده به مفهوم هنری و فنی کسی است که صدایی نامتعارف با گستره زیاد داشته و با آموزش نزد استادان فن، این صدای خوب را تربیت کرده باشد. فارغ از موارد استثنایی، خواننده باید با دانش عمومی موسیقی و تاریخ موسیقی کشورش آشنا باشد. خواننده خوب واژگان شعر را درست و شفاف ادا می‌کند و در انتقال بار حسی و عاطفی کلمات و لحن موسیقایی به مخاطب، مهارت و تجربه دارد.

موسیقی، سنگ صبور من

هنر موسیقی در قاموس من جایگاهی والا دارد و هرگز منبع کسب درآمد نبوده است. شاید این نگاه ناشی از آن است که من معلم موسیقی هستم و با کارم، رویکرد غیراقتصادی به موسیقی را ترویج می‌کنم. به هرتقدیر می‌توانم بگویم موسیقی در مقطعی از زندگی، سنگ صبور و به تعبیری، پل عبور من از رخدادهای تلخ زندگی بوده است. برای مثال، چندسال پیش شاهد بیماری و درگذشت پسر جوانم بودم. هرگاه این حادثه را مرور می‌کنم، به این نتیجه می‌رسم که اگر از اصحاب هنرموسیقی نبودم، این اتفاق می‌توانست آسیب‌های سنگینی به روح و روان من وارد کند. به عبارت دیگر، من به کمک این هنر از آن حادثه عبور کردم، به خدا نزدیک‌تر و تسلیم مشیت الهی و راضی به رضای حق شدم.

یادایم

ماجرای شیخ و تصرف زمین برای عملیات نفتی

جعفر ناظم الرعایا

از جمله تسهیلات قانونی در صنعت نفت به تحصیل اراضی مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های عملیاتی مربوط می‌شود. به این ترتیب که شرکت نفت می‌تواند به متصرف یا مالک زمین مراجعه و نیاز خود را اعلام کند. دریافت زمین با بهای عادلانه و برابر نظر کارشناس رسمی دادگستری صورت می‌گیرد و در صورت مخالفت مالک، شرکت می‌تواند بهای زمین را به صندوق ثبت واریز کرده و زمین را تصرف کند. به خاطر می‌آورم سال‌ها پیش در نزدیکی راه اهواز به سوسنگرد در محلی به نام کرخه کور، برای حفر یک چاه عملیاتی نیاز به تصرف زمین بود. دستگاه حفاری در محل نصب و عملیات آغاز شد. اما تشریفات اداری برای کسب موافقت صاحب زمین و پرداخت بهای آن چنان به کندی پیش رفت که موجب نارضایتی مالک و شکایت او به دادگستری شد. به این ترتیب مالک حکم توقف عملیات حفاری را گرفت، در حالی که این موضوع، بی‌سابقه بود و سروصدای بسیاری ایجاد می‌کرد. کنسرسیوم نفت، فشار زیادی به شرکت ملی نفت (عملیات غیر صنعتی) وارد کرد تا هرچه زودتر، مشکل را برطرف کند. ما کسی را فرستادیم و مالک زمین را که شیخی متنفذ بود برای مذاکره به اهواز دعوت کردیم. روزی که جلسه در دفتر رییس ناحیه تشکیل شد، وی با اتکا به قدرت قانونی شرکت ملی نفت و موقعیت اداری خود بنای توپ و تشر را گذاشت و مالک زمین را تهدید کرد. شیخ هم که چنین دید گفت: اساساً من حماقت کرده‌ام که نزد تو آمده‌ام. هر کس با من کار دارد به محل اقامتم بیاید و درخواستش را مطرح کند. رییس منطقه که از این عکس‌العمل جا خورده بود، قصد خروج از دفتر را داشت که من مانعش شدم و گفتم شیخ از تشریفات اداری و تأخیر در رسیدن به توافق ناراحت است. ضمن این که تازه از راه رسیده و خسته است. بگذارید پذیرایی مختصری از او به عمل بیاوریم و پس از رفع خستگی به پیدا کردن راه‌حلی برای موضوع بپردازیم. من شیخ را با اصرار به خانه بردم و در حد توان از او پذیرایی کردم. سپس به او قول دادم ظرف مدت یک ماه حق و حقوقش پرداخت خواهد شد مشروط به این که با رفع توقیف عملیات موافقت کند. وقتی به دفتر رییس بازگشتیم، شیخ او را مورد خطاب قرارداد و گفت: فقط به خاطر انسانیت این شخص رفع توقیف می‌کنم و بدون لحظه‌ای درنگ اتاق را ترک کرد.

تقدیر و تشکر

محمد میرزاییان مهابادی: همکاران محترم روابط عمومی و نشریه زندگی نو! از ارسال کارت تولد و شاخه گل زیبایتان بی نهایت سپاسگزارم و موفقیت شما را آرزو دارم.

عبدالکریم رادمهر: از آقایان دکتر رادفر و دکتر توکلیان، مسؤولان و کارکنان زحمتکش بخش آنژیوگرافی، پرستاران دلسوز و کارکنان بخش قلب بیمارستان نفت که در بهبود بیماری همسرم تلاشی مضاعف داشتند، سپاسگزارم.

ژینا شمسی از مادران نمونه سال‌های ۸۷ و ۸۸ تهران: به این وسیله از همراهی و همکاری مدیر و دیگر کارکنان دفتر نمایندگی شوق به خاطر خدمت‌رسانی به مراجعان تشکر کرده، برای همگی آنان آرزوی موفقیت بیشتر می‌کنم.

سهراب مرادی - تهران: سپاس و احترام فراوانم را بابت یادآوری سالروز تولدم بپذیرید. دریافت کارت تبریک به همراه یک شاخه گل زیبا از طرف شما بسیار خوشنودم کرد. پایدار باشید.

تشکر از کانون

به دنبال موفقیت تیم تنیس پیشکسوتان شرکت ملی نفت در پنجمین دوره مسابقات المپیاد پیشکسوتان وزارت نفت، کانون بازنشستگان صنعت نفت تهران طی نامه‌ای، کسب عنوان قهرمانی این تیم را تبریک گفته است. اعضای این تیم ضمن تشکر از هیأت مدیره کانون، موفقیت آنان را در ارائه خدمات ورزشی به بازنشستگان تهرانی آرزو کرده است.

نکته به نکته، مو به مو

اگر خاموش باشی تا دیگران به سخت آورند، بهتر است که سخن گوئی و خاموش کنند

سقراط

از حکیمی پرسیدند وقت طعام خوردن کی است؟ گفت: غنی را وقتی که گرسنه شود و فقیر را وقتی که بیاید.

لطایف الطوائف فخرالدین علی صفی

جواب ندادن هم نوعی جواب است. منتسکیو

سکوت هرگز اشتباه نمی‌کند.

مثل هندی

فرستنده: ایرج فرزین

پرسش و پاسخ

ج-ح-اهواز: برای اطلاع از مندرجات برگه حقوقی خود همراه به «سایت» صندوق بازنشستگی مراجعه می‌کنم.

متأسفانه به علت کوچک بودن حروف، نوشته‌ها به خوبی قابل تشخیص نیست. اگر اصلاح یا بزرگ‌نمایی میسر است لطفا راهنمایی کنید.

زندگی نو: با مراجعه به قسمت پایین و سمت راست صفحه «وب» می‌توانید روی علامت زوم «ذره‌بین» کلیک کرده و با بزرگ‌تر کردن نوشته‌ها، مندرجات برگه را به وضوح مشاهده کنید.

باتوجه به این که حدود ۱۷ هزار نفر از همکاران شاغل هنوز از وام مسکن استفاده نکرده‌اند، آنان در اولویت قرار دارند. ان شاء... بعد از استفاده همکاران شاغل از وام مذکور، مراتب در دستور کار قرار خواهد گرفت.

ح- د: آیا در تعرفه‌های درمانی، به ویژه خدمات تشخیصی تجدیدنظر صورت نمی‌گیرد؟
زندگی نو: تعرفه‌های درمانی سالانه با مجوز شورای درمان افزایش می‌یابد. امسال نیز این افزایش صورت گرفته است.

اشتراک ۵۸۰۳: در سال ۷۹ وام مسکن گرفتم. در سال ۸۰ به دلیل عضویت در تعاونی مسکن شهید آوینی خطوط لوله آپارتمان را فروختم و وامی را که گرفته بودم در تاریخ ۸۰/۲/۱۰ پرداخت کردم و مستأجر شدم، اما متأسفانه هیچ خبری از تعاونی مسکن نشد تا این که توانستم با دریافت وام از بانک و صندوق‌های قرض‌الحسنه آپارتمان خود را با چهار برابر قیمت فروخته شده بخرم. اما اکنون پرداخت اقساط وام برابرم بسیار دشوار و ناممکن شده است. آیا این امکان وجود دارد که بتوانم از وام مسکن بازنشستگان استفاده کنم تا پاره‌ای از مشکلاتم حل شود؟

شما نمی‌توانید

مسؤولان صندوق هم به عدم تخصیص اعتبار در این زمینه اشاره دارند. آیا چنین رویه‌ای موجب بدبینی و ایجاد جو ناهماهنگ در صندوق‌ها نمی‌شود؟

زندگی نو: در پاسخ به این پرسش، یکی از مسؤولان ذی‌ربط در صندوق بازنشستگی اظهار داشت: به جز شرکت‌های ملی نفت و پالایش و پخش و اخیراً هم گاز، بودجه مربوط به ورزش بازنشستگان (استخر) را «فقط» برای بازنشستگان تهران تخصیص داده‌اند، یعنی هنوز استان‌ها بدون بودجه هستند که به طور کلی در حال پیگیری هستیم و متأسفانه شرکت ملی پتروشیمی تاکنون هیچ‌گونه اقدامی در خصوص تخصیص بودجه حتی برای بازنشستگان تهران ننموده است.

به صورت انفرادی و نه در قالب تور به سفر می‌روند.

ماجرای کارت استخر بازنشستگان گاز، از چه قرار است؟

حسن بشارتی - رییس دفتر نمایندگی یاسوج: تاکنون به دفعات در نشریه «زندگی نو» در مورد کارت استخر مطالبی چاپ و اعلام شده است بازنشستگان شرکت ملی گاز می‌توانند به شرکت‌های گاز مراجعه و کارت استخر دریافت کنند. خوب است اعلام شود این خبرها از چه منبعی در اختیار نشریه قرار می‌گیرد که تاکنون رؤسای دفاتر و بازنشستگان موفق به دریافت کارت استخر نشده‌اند. مسؤولان شرکت گاز از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و

کمک هزینه

بابت فوت همسر بیمه شده

حسن صباغ - تهران: در صورت فوت همسر بیمه شده، هیچ حق و حقوقی از جمله کمک هزینه فوت به بیمه شده تعلق نمی‌گیرد. خوب است در این زمینه نیز تسهیلاتی در نظر گرفته شود.

درباره

کمک هزینه سفر

مرضیه پیش‌یار - تهران: ضمن تشکر از مسؤولان صندوق‌های بازنشستگی، پیشنهاد می‌کنم کمک‌هزینه سفر در صورت ارایه بلیت و مدارک اقامت در داخل و خارج از کشور به همه کارکنان تعلق بگیرد. از جمله کسانی که

بازنشسته جوان و ورزشکار نفتی

ورزش نفت را بدهید، درستش می‌کنم!

کردم. ۵ فرزند دارم. ۳ پسر و دو دختر. حقوقم کافی نیست. به کار آزاد مشغولم. سرمایه ندارم. خانه کوچکی که با وام شرکت خریدم کمک خرجم است. با این همه، ناراضی نیستم.

آقای مرادی از سال ۱۳۶۴ ورزش را در رشته‌های رزمی آغاز کرده و تاکنون عضویت چند باشگاه را داشته است. او ورزش را در حفظ روحیه، نشاط و سرزندگی‌اش بسیار مؤثر می‌داند. می‌گوید:

در دو سبک نیوکونگ‌فو و کاراته کمرند سیاه دارم. او موقعیت کنونی ورزش در صنعت نفت را به جز وزنه‌برداری و کشتی، چندان مطلوب ارزیابی نمی‌کند.

می‌گوید:

اگر ورزش نفت در دست من بود، درستش می‌کردم! باید از مربیان ورزیده و کارآشنا کمک گرفت و به ورزش در صنعت نفت، بیش از این توجه داشت.

وقتی بازنشسته جوان ورزشکاران دفتر را ترک می‌کند، اعتماد به نفس و صفای ظاهر و باطنش را تحسین و آرزو می‌کنیم همه بازنشستگان نفت، از چنین روحیه‌ای برخوردار باشند.



مانده‌ایم چه کنیم. هم گله دارم و هم کمرند سیاه کاراته و کونگ‌فو! با این همه، آرام‌تر و متواضع‌تر از آن است که در برابرش با گارد بسته بنشینیم. نامش فرهاد مرادی است و بازنشسته زودهنگام در سال ۱۳۸۵. هنوز در نیمه راه دهه پنجم زندگی‌اش قرار دارد و برای دیدن مرز ۵۰ سالگی عمر، ناگزیر است دستش را تقاب پیشانی کند. در واقع، جوان‌تر از آن است که بازنشسته خوانده شود. چهره گشاده و روحیه ورزشکاری‌اش، هر مخاطبی را به رفاقت دعوت می‌کند. می‌گوییم بهتر است اول گله‌اش را بگوید. می‌گوید: سال ۱۳۸۵ بازنشسته شدم، در حالی که پاداش سال ۱۳۸۳ را به من دادند، آن هم با کسر ۱۵ درصد.

می‌پرسیم:

-همین...!؟

می‌گوید:

-همین...

می‌خواهیم از خودش بگوییم. می‌گوید:

سال ۱۳۶۷ با مدرک دیپلم استخدام شدم و کارم را در خانگیان شروع

شعر همکاران

سرودهای به لهجه بختیاری پیای بختیاری

سراسر گشتم و نیدم به دنیا
پیاهی چی پیای بختیاری
وفادارون ای عالم ندارن
وفائی چی وفای بختیاری
خدا دونا که هند و چین نداره
صفایی چی صفای بختیاری
خدا کورم کنا آرخم نگم راست
کسی نیدم به پای بختیاری
کسی آرنی کنه ای حرف باور
حوالس وا خدای بختیاری
ولی افسوس نیدم غیر «داراب»
یکی درد آشنای بختیاری
فرستنده: ایرج سبزیان
برگردان به فارسی

مرد بختیاری!

جهان را سر به سرگشتم ندیدم
به مردی، کس به پای بختیاری
وفاداران این دنیا ندارند
به دل هرگز وفای بختیاری
خدا داند که نه در هندو نه چین
ندارد کس صفای بختیاری
خدا کورم کند گرافلا باشد
ندیدم کس به جای بختیاری
کسی کو حرف من باور ندارد
حوالش با خدای بختیاری!
ندیدم کس به جز «داراب» افسوس
بود درد آشنای بختیاری

معرفی کتاب

تاریخ نمایش، تئاتر و اسطوره در عهد باستان



«تاریخ نمایش، تئاتر و اسطوره در عهد باستان» عنوان کتابی است که به تازگی از سوی همکار بازنشسته خانم روح‌انگیز راهگانی به نگارش درآمده است. این کتاب دربردارنده پیشگفتار و مقدمه همراه با فهرست منابع و اعلام بوده و در ۱۰ فصل به بررسی چگونگی پیدایش نمایش، اسطوره و تئاتر و روند رشد آن در عهد باستان می‌پردازد. چاپ نخست این کتاب در ۹۵۲ صفحه با قطع وزیری از سوی انتشارات قطره به بازار کتاب راه یافته است.

۳۵ سال زندگی مشترک، به حق و در عمل شریک شادی‌ها و غم‌هایش بودم و در دوران بیماری باتمام وجودم از او مراقبت و پرستاری کردم و هرگز با احساس خستگی سربربالین نگذاشتم. درست است که هرچه کردم، انجام وظایف به عنوان همسر بود، اما برای من، جبران محبت‌ها وادای دین هم به شمار می‌آمد. یدی هرگز در حضور دیگران با من تندی و درشتی نکرد. هیچگاه خست نشان نداد. همیشه عشق خود را با زبان اعتماد و اطمینان ابراز می‌کرد. زیاده‌گو نبود اما به خوش خلقی و خانواده دوستی، زبانزد همه فامیل و نزدیکان بود. تعبیر من از بیماری یدی این است که قلبش، گنجایش عشقش را نداشت. عشق او به من و بچه‌ها، بزرگ‌تر از قلبی بود که در سینه‌اش می‌تپید.

به یدی‌امی‌آورم وقتی امکانات به دست می‌آورد آن را بین عضای خانواده من و خودش تقسیم می‌کرد، در کمال عدل و انصاف.

همسر و همسایه

سال‌های سال، هرروز صبح خیلی زود از خواب برمی‌خاست و بی آن که مزاحم من یا بچه‌ها شود، به محل کارش می‌رفت. وقتی به خانه بازمی‌گشت، همه می‌دانستیم که باید در چشم‌انداز او باشیم چون دلش برای همه ما تنگ می‌شد. بدون بچه‌ها جایی نمی‌رفت و علاقه داشت همیشه با هم و کنار هم باشیم. بعد از رفتنش هم احساس می‌کردم روحش کنار من است. به خوابم می‌آمد و با من حرف می‌زد. تا این که خواستم کمتر به دیدنم بیاید تا به بچه‌ها رسیدگی کنم. از آن به بعد هر وقت زیادی دلتنگ می‌شوم و گریه می‌کنم، می‌آید. اصلاً وقتی یکبار آرام می‌شوم می‌فهمم که آمده است. برای رفتن به بهشت زهرا(س) کافی است وقت داشته باشم. با وسیله یا بی وسیله مهم نیست. سنگین و خسته می‌روم و سبک و سرحال برمی‌گردم. امروز دلم خوش است که فردا در قطعه ۴۳ بهشت زهرا همسایه‌اش خواهم بود و در حضور او به آرامش خواهم رسید.

پسر بزرگم کارشناس مدیریت بازرگانی، دختر بزرگم خانه‌دار، دختر کوچکم کارشناس ارشد بیمه و پسر کوچکم مهندس متالورژی و رتبه دوم کارشناسی ارشد است. دامادهای خوب و نوه‌های سالم، ۳۵ سال عمر باعزت و افتخار و عاقبت به خیری، همه این‌ها از برکت وجود یدی است. ۳۵ سال همسر با این همه برکت و نعمت، دیگر چه می‌خواهم؟ چه آرزویی می‌توانم داشته باشم؟

صندوق امید

کمتر پیش آمده که با امید به صندوق بیایم و ناامید بازگردم. دستشان درد نکند، نیت‌شان خیر است و می‌خواهند امکانات و تسهیلات را در اختیار بازنشستگان و بازماندگان قرار دهند. فقط زمانی پاسخ منفی می‌دهند که همه راه‌ها را رفته و نرسیده باشند. از خود ما و با خود ما بازنشسته‌ها و بازمانده‌ها هستند و همین برای ما کافی است که امیدوار باشیم هر مشکلی را می‌توان با آنان در میان گذاشت و انتظار رفع آن را داشت.



باور تان خوبی

همسایه‌ات بودم، همسرت شدم همسر م! همسایه‌ات خواهیم شد

از توان لازم برای مقابله با مشکلات زندگی و تأمین هزینه تحصیل بچه‌ها برخوردار شویم و یدی نیز آرامش و راحت خیال بیشتری داشته باشد.

سال ۸۱، یدی بر اثر عارضه شدید مغزی راهی بیمارستان نفت شد و سه ماه بعد درگذشت. در طول آن سه ماه، یدی می‌توانست حرف‌های من و دیگران را بشنود اما توان پاسخگویی نداشت. ارتباط عاطفی قوی و غریبی با هم داشتیم و من بیش از هر زمان، مشتاق خدمت به او بودم. مظلومیت او دلم را می‌شکست و هزار پاره می‌کرد. فریادش را از پشت دیوار سکوت می‌شنیدم و حرف‌هایش را از نگاهش می‌خواندم.

خاطره

سال ۸۰ یا ۸۱ فرصتی به دست آمده بود تا به اتفاق خواهرانم به سفری دو روزه بروم اما قلباً راضی نبودم و نمی‌خواستیم به این سفر بروم. یدی با این هدف که من درگیرودار سال‌های مراقبت از او، هوایی تازه کنم گفت حالش خیلی خوب است و من می‌توانم بدون نگرانی باخواهرانم همسفر شوم. من قبول کردم و به سفر رفتم اما بعد از دو روز که با بچه‌ها تماس گرفتم، گفتند بر اثر وخامت حالش به بیمارستان منتقل شده و چون دلش می‌خواست شما به سفر بروید و خستگی در کنید، واقعیت را پنهان کرده و گفته حالش خوب است.

حامی

گفتم که هنگام ازدواج فقط ۱۳ سال داشتم. با یدی ارتباط عاطفی قوی و قشنگی داشتیم که پس از فوت زود هنگام مادرم، بسیار ارزشمندتر شد. یدی این واقعیت را می‌دانست که عروس کم سن و سال همچنان به محبت مادر و حمایت‌های او نیاز دارد، بنابراین کوشید در کنار همسر بودن، جای خالی مادر را نیز برای من پر کند تا کمتر غصه بخورم و احساس تنهایی کنم. بعدها به ویژه بعد از سال ۴۷ که بچه‌ها به دنیا آمدند، به عنوان مادر، به ارزش کار یدی پی بردم. در طول

شهنواز محمدیان متولد سال ۱۳۳۲ تهران فرزند یکی از کارکنان هواپیمایی ملی ایران است. او در حالی که سرگرم تحصیل بود در سیزده سالگی با یدای... روحی متولد ۱۳۲۰ در اردبیل ازدواج کرد. یدی سال ۴۲ به صنعت نفت پیوست، دو سال بعد در بندر لنگه خدمت کرد و سپس به بندرعباس منتقل شد. او در سفری که برای دیدار والدینش به اردبیل داشت شهنواز دختر نوجوان همسایه را دید، پسندید و پس از خواستگاری و ازدواج، همراه همسرش به بندر بازگشت.

در سال ۴۷ یدی و همسرش از گرمای توان فرسای بندر جدا شدند و در شهر سردسیر سنندج به زندگی مشترک ادامه دادند.

در این مدت رشته شغلی یدی تغییر کرد و او به عنوان آتش‌نشان، در خدمت پخش سنندج بود. سال ۱۳۵۱ یدی به تهران منتقل و در واحد نقلیه پالایشگاه تهران سرگرم کار شد و بعدها نیز مدتی انباردار بود.

ت-پ-ش...

پس از پایان جنگ تحمیلی بود که قلب روحی دچار نارسایی شد و دو بار از تپش باز ایستاد و یدی هر بار پس از چند روز استراحت به خانه بازگشت. از آن پس وضعیت جسمی «روحی» هرگز به حالت عادی بازنگشت. بیشتر اوقات زیر نظر مستقیم پزشک بود و گاه نیز در بخش قلب بیمارستان نفت بستری می‌شد. با ادامه این وضعیت، مدیریت اداره از ساعات کار روحی کاست و شرایط بهتری فراهم آورد تا او زمان بیشتری در خانه بماند و استراحت کند. سرانجام در سال ۷۵ روحی به افتخار بازنشستگی پیش از موعد نایل آمد و بعد از ۳۱ سال خدمت در ۵۵ سالگی راهی خانه شد.

مستمری یدی در آغاز بازنشستگی کافی نبود. فاصله سنی بچه‌ها کم بود و برای تأمین هزینه تحصیل و گذران زندگی، منبعی جز مستمری بازنشستگی یدی نمی‌شناختم که آن هم کافی نبود. بنابراین خانه مسکونی خود را فروختیم تا

با نسخه‌نویس زندگی نو

«پنیر»

یار همیشگی صبحانه



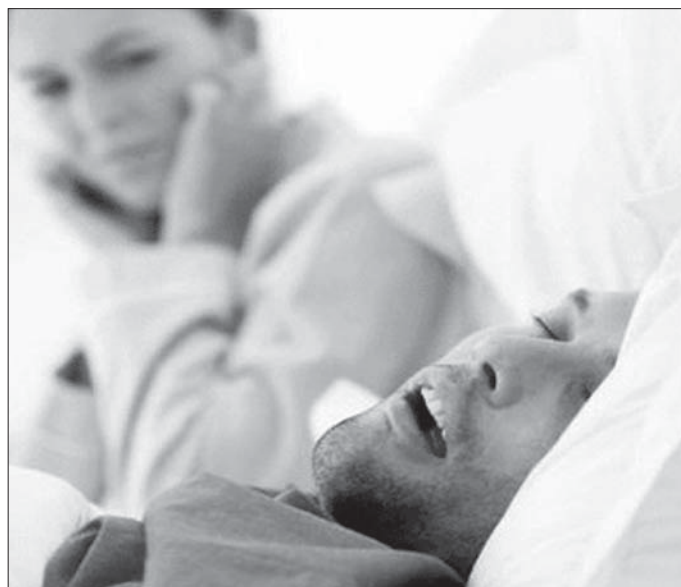
دکتر علیرضا صفوت‌نیا

همواره گفته می‌شود صبحانه هرچه کامل‌تر باشد بهتر است. در وعده صبحانه، می‌توان از انواع خوراکی‌ها مانند میوه‌ها، آب‌میوه‌ها، تخم‌مرغ، حلیم، عدسی، کره و عسل و انواع مرباها استفاده کرد. اما بسیاری از افراد، بیش از همه به نان و چای و پنیر علاقه نشان می‌دهند. متخصصان تغذیه عقیده دارند هرچه استفاده از لبنیات در وعده صبحانه بیشتر باشد بهتر است. پنیر مهم‌ترین ماده غذایی صبحانه است که حتماً باید در کنار سایر خوراکی‌ها مصرف شود. پنیر دارای پروتئین قابل هضم است و هم می‌تواند بخشی از نیاز بدن را به کلسیم و فسفر برطرف کند. به همین جهت گیاه‌خوارانی که مواد گوشتی را از وعده‌های غذایی خود حذف کرده‌اند به جای آن پنیر مصرف می‌کنند. موادی که در پنیر وجود دارد در شیر هم هست، مانند پروتئین و ویتامین‌های A و B. یکی از خواص پنیر، هضم ساده‌تر آن است. همان‌طور که گفته شد پنیر دارای کلسیم و فسفر بالایی است و مصرف آن برای داشتن استخوان‌های سالم لازم است. به ازای هر هزار میلی‌گرم کلسیم، ۴۵۰ میلی‌گرم فسفر لازم است که در شیر و پنیر وجود دارد. مصرف پنیر برای اشخاصی که نمی‌توانند لاکتوز شیر را هضم کنند مفید است، زیرا این افراد به علت کاهش تولید آنزیم‌های تجزیه‌کننده قند شیر (لاکتوز) نمی‌توانند لاکتوز را هضم کنند و دچار اسهال، نفخ و دردهای شکمی و حالت تهوع می‌شوند، اما چون میزان لاکتوز پنیر و ماست خیلی کم است مصرف آن‌ها به این افراد توصیه می‌شود. پنیر انواع زیادی دارد و در غذاهای متنوعی استفاده می‌شود اما بهترین پنیر به ویژه برای سالمندان، پنیر کم‌چرب و کم‌نمک است، زیرا پنیرهای پرچرب و خامه‌ای منبع عمده اسیدهای چرب اشباع شده بوده و برای تندرستی مضر است. همچنین مصرف پنیرهای باز و محلی به علت احتمال آلودگی‌های میکروبی نظیر سالمونلا و پروسلا و احتمال بروز بیماری‌های حصبه و عفونت‌های روده‌ای و تب مالت خطرناک است. در پنیر ماده‌ای به نام تیرامین وجود دارد که اگر در مغز تجمع کند باعث کندگی ذهن می‌شود. این ماده توسط یک نوع آنزیم موجود در بدن تجزیه می‌شود. این آنزیم تا حد مشخصی فعال است و برای فعالیت بیشتر آن باید میزان عنصر مس در بدن افزایش یابد که با خوردن گردو تأمین می‌شود.

آشنایی با پدیده قطع تنفس در خواب

«خرخر» موسیقی بد شبانه!

دکتر اسعد نیک آیین



قطع تنفس در خواب، یک بیماری جدی است که در آن، تنفس در زمان خواب دچار اختلال می‌شود. خرخر شدید در خواب و احساس خستگی حتی پس از یک خواب کامل شبانه، ممکن است نشان‌دهنده این بیماری باشد. قطع تنفس در خواب به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: قطع تنفس ناشی از انسداد که شایع‌تر است و در زمان شل شدن عضلات گلو بروز می‌کند و قطع تنفس مرکزی به علت عدم ارسال علائم مناسب از مغز به عضلاتی که تنفس را کنترل می‌کنند. برخی افراد به نوع ترکیبی قطع تنفس مبتلا هستند. اگر فکر می‌کنید دچار قطع تنفس در خواب هستید، پزشک‌تان را در جریان بگذارید، چرا که برای پیشگیری از مشکلات قلبی و عوارض دیگر لازم است هرچه زودتر این بیماری درمان شود.



بیشتر افراد فکر نمی‌کنند که «خرخر» کردن می‌تواند نشانه‌ای از یک بیماری باشد. البته هر فردی که به «خرخر» مبتلاست دچار قطع تنفس در خواب نیست. **علل قطع تنفس انسدادی و مغزی**
قطع تنفس انسدادی زمانی بروز می‌کند که عضلات پشت حلق شل می‌شوند. این عضلات، بافت مثلثی شکلی است که از کام نرم آویزان می‌شود (زبان کوچک) و لوزه‌ها و زبان را نگهداری می‌کند. زمانی که عضلات شل می‌شود راه تنفس باریک و تنفس موقتاً قطع می‌شود. با کاهش اکسیژن در خون، مغز فرمان بیداری می‌دهد. این بیداری غالباً آنقدر کوتاه است که بیمار آن را به یاد نمی‌آورد. این حالت می‌تواند پنج تا

نشانه‌های بیماری
نشانه‌های قطع تنفس انسدادی و مرکزی همانند هم است و گاهی تشخیص نوع بیماری را مشکل می‌سازد. شایع‌ترین نشانه‌های بیماری عبارت است از:
• خواب آلودگی شدید در طول روز.
• «خرخر» بلند، که در نوع انسدادی بارزتر است.
• قطع تنفس در طول خواب.
• بیدار شدن ناگهانی با ادامه تنفس‌های کوتاه که بیشتر، قطع تنفس مرکزی را نشان می‌دهد.
• بیدار شدن با دهان خشک یا ناراحتی گلو.
• سردرد صبحگاهی.
• مشکل در ادامه خواب.

سی بار در ساعت و در تمام طول شب تکرار شود. این انقطاع توانایی رسیدن به خواب مطلوب و استراحت کامل را مختل می‌کند و ممکن است فرد در زمان بیداری نیز احساس خواب آلودگی کند. قطع تنفس مغزی که نادرتر است زمانی بروز می‌کند که مغز، نشانه‌های مناسبی به عضلات تنفسی ارسال نمی‌کند. شایع‌ترین علت قطع تنفس مرکزی، بیماری قلبی و در مواردی سکتته است. افراد مبتلا به قطع تنفس مرکزی بیش از افرادی که به قطع تنفس انسدادی مبتلا هستند بیدار شدن خود را به یاد می‌آورند.

علل قطع تنفس در خواب مختلط

قطع تنفس در خواب ممکن است افراد جوان، مسن، مرد یا زن را مبتلا کند. حتی کودکان هم می‌توانند دچار قطع تنفس در خواب باشند. بسیاری از عوامل باعث افزایش احتمال ابتلا به بیماری می‌شود. از جمله:

- **وزن زیاد:** رسوب چربی در اطراف مجاری تنفسی فوقانی ممکن است تنفس را قطع کند. البته هر فردی که دچار قطع تنفس در خواب است، دچار افزایش وزن نیست و افراد لاغر نیز گرفتار این بیماری می‌شوند.
- **محیط گردن:** اندازه گردن ممکن است نشان دهد که فرد در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به بیماری قرار دارد. گردن‌های با محیط بیش از ۴۴ سانتی‌متر، خطر ابتلا به قطع تنفس انسدادی را افزایش می‌دهد.
- **فشار خون بالا:** قطع تنفس در خواب در افرادی که به پرفشاری خون مبتلا هستند شیوع دارد.
- **مجرای تنفسی باریک:** مجرای باریک تنفسی، بزرگی لوزه‌ها و یا لوزه سوم می‌تواند مجرای هوا را مسدود کند.
- **مرد بودن:** مردان دوبرابر زنان بیشتر در معرض ابتلا به این بیماری قرار دارند. زن‌های چاق به ویژه پس از یائسگی زمینه بیشتری برای ابتلا به این بیماری پیدا می‌کنند.
- **افزایش سن:** قطع تنفس در خواب در افراد بیش از ۶۵ سال بیش از دو تا سه برابر بروز می‌کند.
- **سابقه خانوادگی:** اگر در خانواده فردی مبتلا به این بیماری باشد، احتمال ابتلا به آن بیشتر می‌شود.
- **مصرف الکل، مسکن‌ها و آرام‌بخش‌ها:** این مواد باعث شل شدن عضلات ناحیه گلو می‌شود.
- **سیگار کشیدن:** سیگاری‌ها سه برابر بیش از کسانی که اصلاً سیگار نکشیده‌اند، به این بیماری مبتلا می‌شوند. خطر بیماری با قطع مصرف سیگار کاهش می‌یابد.
- **بیماری‌های قلبی:** افراد مبتلا به فیبر بلاسیون دهلیزی یا نارسای احتقانی قلبی در خطر بیشتری برای ابتلا به این بیماری هستند.
- **سکتته یا تومور مغزی:** این بیماری‌ها می‌تواند توانایی مغز را در تنظیم تنفس دچار اختلال کند.

عوارض بیماری

• عوارض قطع تنفس در خواب می‌تواند موجب بروز بیماری‌های قلبی، خستگی روزانه، بروز مشکل هنگام اعمال جراحی و همچنین محرومیت نزدیکان از خواب راحت شود.
ضرورت مراجعه به پزشک متخصص
برای شناخت عوامل مؤثر بر قطع تنفس در خواب مراجعه به پزشک متخصص ضرورت دارد. در مواردی انجام اعمال جراحی از طریق برداشتن بافت‌های اضافی گلو و بینی، جراحی پولیپ یا انحراف بینی یا استفاده از ماسک‌های ویژه هنگام خواب می‌تواند در رفع این بیماری مؤثر واقع شود.

تازه‌های علمی

لذت زندگی
و عمر طولانی

نتایج یک پژوهش تازه در ژاپن گویای آن است که لذت نبردن از زندگی باعث مرگ زود هنگام می‌شود. افرادی که از زندگی لذت نمی‌برند کمتر در پی کار و یا ازدواج هستند. پژوهشگران ژاپنی که با مطالعه بر روی ۴۳ هزار و ۳۹۱ مرد و زن در سنین ۴۰ تا ۷۹ سال و طی ۷ سال متوالی به این یافته رسیده‌اند همچنین خاطرنشان کرده‌اند افرادی که تصور می‌کنند زندگی بی‌ارزش است، زودتر می‌میرند.

کدو تنبل، دشمن عفونت



گروهی از پژوهشگران کره‌ای با آزمایش بر روی کدو تنبل دریافته‌اند این گیاه مانع از رشد عفونت‌های قارچی می‌شود. پایگاه اینترنتی "آگری کولچر اند فود" نوشت: پژوهشگران کره‌ای بر این باورند که پروتئین موجود در کدو تنبل می‌تواند درمان خوبی برای از بین بردن قارچ‌ها و عفونت‌ها در افراد باشد و حتی می‌توان از آن برای رویارویی با قارچ‌های گیاهی نیز استفاده کرد.

اعتیاد به تنقلات

نتایج پژوهش گروهی از محققان اعصاب و روان در آمریکا حکایت از آن می‌کند که مصرف تنقلات یا "هله هوله" خوری، به اندازه مواد مخدر و هروئین اعتیادآور است! دکتر «پاول کنی» و همکاران پژوهشگرش همچنین دریافته‌اند که عادت به مصرف مواد غذایی مانند برگرها، چیپس‌ها، سوسیس‌ها و شیرینی‌ها، مغز را به گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کند که وابستگی آن را در حد اعتیاد به مواد مخدر به مواد غذایی حاوی نمک، شیرینی و چربی زیاد افزایش می‌دهد. دکتر کنی از متخصصان برجسته اعصاب در آمریکا همچنین خاطرنشان کرده خوردن تنقلات گوناگون به مرور زمان شادی کاذب در مصرف کنندگان ایجاد می‌کند و در نتیجه فرد معتاد به مصرف تنقلات می‌شود. وی با خطرناک توصیف کردن مواد غذایی پرچرب و شیرین و قندی برای سلامت انسان خاطرنشان کرده است مهم‌ترین نکته در مورد این نوع غذاها از دست دادن کنترل در برابر آنها و معتاد شدن به آنهاست.

ورزش بهترین شیوه مقابله
با فشار خون!

مبتلا هستند.

مصرف نمک در بروز فشارخون نوع اول نقش مهمی دارد. انجمن ملی استادان پزشکی آمریکا "IMNA" توصیه کرده است که از سن ۱۹ سالگی به بالا میزان مصرف نمک در روز نباید از ۳/۸ گرم تجاوز کند. به گفته پزشکان با بالا رفتن سن، تاثیر مصرف نمک در بروز فشارخون نوع اول بیشتر خواهد شد.

ژنتیک، بیماری‌های کلیوی و وزن زیاد از دیگر عوامل موثر در بروز فشارخون نوع اول محسوب می‌شود. تخمین زده شده که نزدیک به ۳۰ درصد از موارد فشارخون نوع اول به مساله ژنتیک مربوط می‌شود.

عوامل موثر در بروز فشارخون نوع دوم یا ثانویه، بیشتر از یک بیماری ناشی می‌شود و می‌توان گفت این نوع فشارخون حالت انحصاری دارد.

اختلالات برخی از ارگان‌های بدن و غدد به ویژه غدد فوق کلیوی و گرفتگی آنورت از جمله عوامل موثر در بروز فشارخون ثانویه است، اما بیش از همه بیماری‌های کلیوی در بروز فشارخون ثانویه تاثیرگذار است.

تنگ شدن مجاری موجود در بدن نیز از عوامل مهم در بروز فشارخون ثانویه است. به گفته پزشکان، ورزش یکی از راه‌های مؤثر مقابله با افزایش فشار خون و کنترل آن است؛ ورزشی متناسب با سن و شرایط جسمانی که از آن برخوردار هستیم.

از فاش شدن اشتباهات، میزان فشارخونش بالا رفته باشد. بهترین شیوه برای پی بردن به بروز فشارخون در اشخاص، اندازه‌گیری میزان فشارخون در یک دوره مشخص و محاسبه میانگین آن در دوره محدود و مشخص است. عوامل متعددی در بروز فشارخون دخالت دارد. مصرف مواد حاوی کافئین مانند قهوه و برخی نوشابه‌های غیر الکلی ممکن است در بالا و پایین شدن میزان فشارخون اثر بگذارد و باعث گمراهی شود.

بیماری فشارخون دونوع است: فشارخون اصلی یا اولیه و فشارخون ثانویه. فشارخون اولیه یک عارضه فراگیر و عمومی است و عوامل چندی در بروز آن دخالت دارد. ۹۵ درصد از موارد فشارخون به نوع اولیه مربوط می‌شود.

فشارخون ثانویه که تنها ۵ درصد موارد فشارخون را شامل می‌شود، ناشی از غیرعادی بودن وضعیت یکی از ارگان‌ها یا اندام‌های بدن است. انجمن قلب آمریکا "The American Heart Association" برآورد کرده است که حدود ۷۳ میلیون نفر از مردم این کشور دچار فشارخون اصلی یا نوع اول هستند.

نشریه انجمن پزشکی آمریکا "JAMA" در یکی از شماره‌های اخیر خود خاطرنشان کرده است که نزدیک به ۲ میلیون نفر از نوجوانان و کودکان آمریکایی به بیماری فشارخون نوع اول

فشارخون بالا از بیماری‌هایی است که تعداد مبتلایان آن در جهان بسیارند. تخمین زده شده که تنها در آمریکا از هر سه نفر یک نفر دچار بیماری فشارخون بالاست.

به وضعیتی که خون توسط شاهرگ‌ها یا عروق با فشار از قلب به بافت‌ها و اندام‌های بدن منتقل و یا دچار غلظت شود، فشارخون بالا می‌گویند.

فشارخون بالا ممکن است بر اثر فشارهای روحی یا خشم و عصبانیت بروز کند، اما این حالت موقتی است و پس از مدتی رفع می‌شود.

فشارخون زیر ۱۲ روی ۸ عادی است، اما به فشار ۱۳/۹ روی ۸/۹ آستانه فشارخون بالا و به فشار بالاتر از ۱۴ روی ۹ فشارخون بالا گفته می‌شود.

درجه بالای فشارخون، بیانگر آن است که خون بالاتر از میزان فشار معمول از قلب به رگ‌ها پمپاژ می‌شود که حالت انقباضی قلب است. در واقع در حالت انقباض قلب یا عادی بودن فشارخونی که از قلب به رگ‌ها منتقل می‌شود، می‌توان گفت قلب سالم است.

بالا و پایین رفتن حالت انقباضی و انبساطی قلب خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی، کلیوی، تصلب شرایین و آسیب‌های بینایی و مغزی را افزایش می‌دهد.

در این حالت بیمار ممکن است بر اثر التهابات زود گذر یا شرایط خاصی که به صورت موقت دامنگیرش شده - امتحانات، خطاها و نگرانی

اینجا و آنجا

درمان افسردگی در سالمندان

یک متخصص اعصاب و روان با اشاره به شایع شدن گسترده بیماری افسردگی در سالمندان، مشکلات اقتصادی، از دست دادن همسر، ابتلا به بیماری همزمان با از دست دادن همسر و انزوای اجتماعی فرد سالمند را مهم‌ترین علل بروز افسردگی در سالمندان ذکر کرده است. دکتر امید رضایی عضو هیأت علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی با اشاره به دو برابر بودن شیوع بیماری افسردگی در زنان خاطرنشان کرده است که تشخیص بیماری افسردگی در سالمندان دشوارتر از سایرین است و درمان آن نیز به زمان بیشتری نیاز دارد. وی تصریح کرد پزشکان و متخصصان به‌طور معمول عوارض دارو را در مقابل منافع آن می‌سنجند و دارو زمانی تجویز می‌شود که نفع آن بسیار بیشتر از ضرر آن باشد. حمایت‌های خانوادگی و مراقبت از سالمندان را در پیشگیری از بروز بیماری افسردگی در این افراد موثر دانست.

شروع سالمندی

سازمان بهداشت جهانی با در نظر گرفتن همه جوانب، برای تمام جوامع بشری سن بالاتر از ۶۰ سال را به عنوان شروع دوران سالمندی تعریف کرده است.

این در حالی است که بسیاری از متخصصان طب سالمندی، روان‌پزشکان و جمعیت‌شناسان و کارشناسان تعیین دقیق شروع دوران سالمندی را با توجه به شرایط متفاوت بیولوژیک، زیست محیطی و عوامل اجتماعی، امری دشوار تلقی کرده و حتی برخی بر این باورند که تعیین دقیق زمان شروع سالمندی نه تنها از نظر مقایسه افراد بلکه حتی در یک فرد هم از یک عضو به عضو دیگر و از یک بافت به بافت دیگر کاملاً متغیر و وابسته به روش زندگی، عادت‌ها و رفتارهای دوران کودکی، جوانی و میانسالی است.



در چنین وضعیتی، وجدان کاری نهیب می‌زند: «هرچه زودتر دست به کار شوید. نترسید. کار را تمام کنید و نفت را بار دیگر در لوله‌ها جاری سازید.»

از سوی دیگر وقتی همه جوانب را در نظر می‌گیری و وضعیت کلی را ارزیابی می‌کنی، به نظرت می‌رسد عوامل گوناگون دست به دست هم داده‌اند تا نتوانی کارها را به درستی انجام دهی. زمان کش می‌آید و ۲۴ ساعت می‌شود ۲۴۰ ساعت، بی‌آن که تصمیمی گرفته شده باشد. در این شرایط است که آن ذهنیت انجام کار پنهان به کمک می‌آید و یاریات می‌کند تا تصمیم‌گیری و کار را تمام کنی. پس همه آن چهل سال و چهار ماه شیرین و دوست‌داشتنی بوده و من دنیایی از حلاوت و عشق پشت سر دارم.

و پیش روی خود چه می‌بینید؟

بازنشستگی و نکات مثبت آن را، به اعتقاد من اشتغال و بازنشستگی دو حلقه به هم پیوسته‌اند. در دوران بازنشستگی این فرصت را داری که نگاه دوباره‌ای به گذشته بیاندازی و ایام رفته را مرور کنی. بدیهی است اگر قرار باشد شیرینی‌ها و دوست‌داشتنی‌ها را مرور کنی، باز هم دوران خوب و مطلوبی پیش روی خواهی داشت. شادی در چهره‌ات موج می‌زند و رفتار و کرداری شیرین داری نه تلخ و گزنده و مغموم.

و چه خواهد شد اگر غیر از این باشد؟

خدا نکند از کارهایی که در دوران خدمت انجام داده‌ای، راضی نباشی و احساس ندامت کنی. اگر این طور باشد، دوران بازنشستگی سختی در پیش خواهد بود. شکر خدا کمتر کسی در صنعت نفت حالت دوم را تجربه کرده چرا که نفت، گستره تلاش شرافتمندانه و ایثار و از خودگذشتگی است و به ویژه در مناطق محروم و دورافتاده عملیاتی، افراد خانواده را نیز افزون بر کارکنان درگیر می‌کند. درست است که نفت را همکاران می‌یابند، می‌پالایند، جابه‌جا می‌کنند و به مبادی مصرف و صدور می‌رسانند، اما آن دستان پرتوانی که بوی نفت می‌دهند، از آستین خانواده‌ها بیرون می‌آید.

به نظر شما بهترین شیوه برخورد با مقوله بازنشستگی و کنار آمدن با تحولات ناشی از آن چیست؟

ابتدا، باید بپذیریم که بازنشسته شده‌ایم. اگر بازنشستگی را باور کنیم، بسیاری از مشکلات در همان آغاز راه به خودی خود رفع خواهد شد. در مرحله دوم باید ببینیم چه امکاناتی در اختیار داریم و این امکانات را چگونه می‌توانیم به کار بگیریم تا به گذران هرچه بهتر دوره بازنشستگی کمک کنند.

مرحله سوم دستیابی به دلخوشی‌ها و اثرات مثبت آن است. همه ما در دوران اشتغال دلخوشی‌هایی داشته‌ایم که ما را خوشحال و خرسند می‌کردند، آیا در دوره بازنشستگی هم به آن دلخوشی‌ها دسترسی داریم؟

برای مثال، دیدار دوستان و همکاران خوب و صرف وقت با آنان از دلخوشی‌های ارزشمند دوره اشتغال است. حال اگر بتوانیم در دوره بازنشستگی هم آن عزیزان را ببینیم و از حال و روز یکدیگر باخبر شویم، معنایش تکرار دلخوشی‌هاست و این چیز خوبی برای یک بازنشسته است. دل اگر خوش باشد، مثل یک صخره سخت، در برابر مشکلات مقاومت خواهد کرد.

دوران بازنشستگی را چگونه سپری می‌کنید؟

به اتفاق چندتن از دوستان، شرکت خدمات مهندسی تأسیس کرده‌ایم که همچنان فعال است. به موازات این کار، برنامه‌ریزی‌هایی انجام داده‌ایم تا همکاران و خانواده‌ها هر چند ماه یک بار با هم دیدار کنند و از موابه و پیامدهای مثبت این دیدارها بهره‌مند شوند. از سوی دیگر، برنامه‌هایی برای دیدار جمعی همکاران بازنشسته از تأسیسات و تلمبه‌خانه‌ها تدارک دیده شده که تجدید خاطرات زمان اشتغال را به همراه دارد و به نوعی، انتقال تجربه‌های ارزشمند همکاران پیشکسوت به کارکنان کنونی تلمبه‌خانه‌ها نیز به شمار می‌آید.

حرف آخر را شما بگویید.

حرف آخر را از «شما» می‌گویم: با «زندگی نو» زندگی می‌کنیم. وقتی همکار بازنشسته‌ای را از کنج عزلت و فراموشی بیرون می‌آورید و در لابه‌لای صفحه‌های نشریه به چهره‌های ماندگار بدل می‌کنید، او بار دیگر در کانون خانواده به عنوان انسانی خدمتگزار و زندگی‌ساز مطرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. این کار مهمی است و من به سهم خود از «زندگی نو» تشکر می‌کنم.

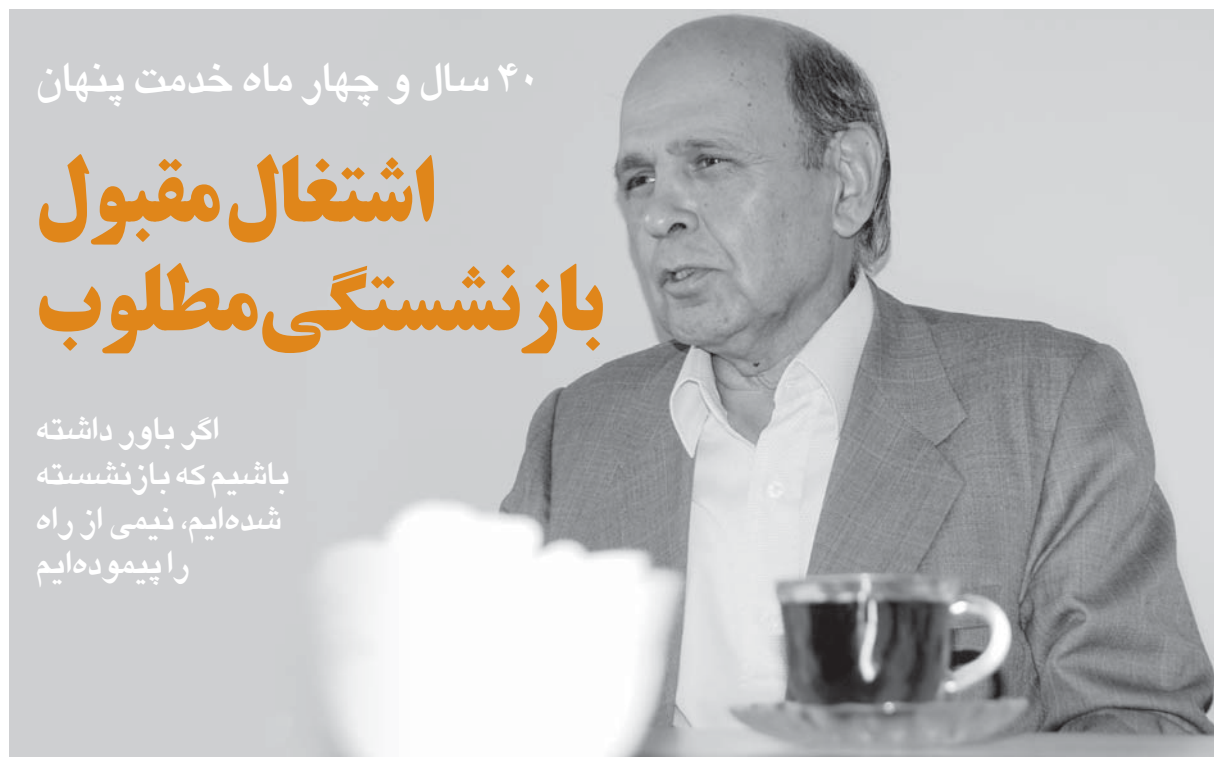
اشاره

انتقال تجربه‌های بازنشستگان نفت به کارکنان این صنعت از دغدغه‌های اوست. پس از بازنشستگی با تأسیس شرکتی که کار خدمات مهندسی انجام می‌دهد به سهم خود در این راه کام برداشت اما معتقد است انجام این کار به شکل کاربردی و در ابعاد گسترده، به سند چشم‌انداز نیاز دارد. رویکرد او به دو مقوله «اشتغال» و «بازنشستگی» جالب است. می‌گوید بخش بزرگی از اوقات فراغت در دوره بازنشستگی با مرور و یادآوری خاطرات زمان اشتغال می‌گذرد. اگر کارنامه دوران تلاش و فعالیت مشحون از عملکردهای مثبت باشد و رضایت‌بخش جلوه کند - مثل کارنامه درخشان کارکنان شریف صنعت نفت - با مرور چنین کارنامه‌ای احساس رضایت خواهی کرد و کام خودت و خانواده‌ات شیرین خواهد شد. اما در صورتی که نتیجه ارزیابی مجموعه کارکردهایت در دوران اشتغال منفی باشد و چنگی به دل نزند، حاصلی جز تلخ‌کامی نخواهد داشت. همسر مهندس ابوالفضل صابرنژاد کارمند بازنشسته تأمین اجتماعی است. آنان دو دختر دارند که اولی دارای مدرک دکترای معماری است و در دانشگاه تدریس می‌کند. دختر دوم مهندس عمران و مدرس دانشگاه است. خانم و آقای صابرنژاد یک نوه در راه دارند که شاید تاکنون رسیده باشد. اگر چنین است، قدم نورسیده، مبارک!

۴۰ سال و چهار ماه خدمت پنهان

اشتغال مقبول بازنشستگی مطلوب

اگر باور داشته باشیم که بازنشسته شده‌ایم، نیمی از راه را پیموده‌ایم



معرفی

سال ۱۳۳۳ در تهران متولد شد. در ۲۰سالگی دیپلم فنی گرفت و بی‌درنگ از شرکت ملی نفت درخواست استخدام کرد. با موافقت مدیر عامل وقت، ارتباط استخدامی او با شرکت نفت برقرار شد و پس از سپری کردن دوره دوساله کارآموزی در شرکت خطوط لوله و مخابرات کار خود را در تلمبه‌خانه‌ای در نزدیکی خرم‌آباد آغاز کرد.

سال ۴۶ به تهران انتقال یافت و ضمن فعالیت در ستاد شرکت خطوط لوله و مخابرات، در آزمون ورودی دانشگاه علم و صنعت پذیرفته شد و در دوره شبانه رشته مهندسی مکانیک به تحصیل پرداخت. در سال ۵۲ فارغ‌التحصیل شد و پس از سه سال برای انجام مأموریت احداث خطوط جدید انتقال نفت به مشهد رفت. درگیرودار پیروزی انقلاب و پس از آن در مقاطعی معاون و رییس منطقه بود و پروژه‌های متعددی را در مشهد و بندر امام راهبری کرد. با آغاز دوران دفاع مقدس در پاییز سال ۵۹ و هجوم بی‌امان دشمن به تأسیسات انتقال نفت و ایستگاه‌های تقویت فشار، مسؤلیت خطیر مهندسی در مدیریت خطوط لوله و مخابرات به او سپرده شد و بازسازی تلمبه‌خانه‌ها و تأسیسات بی‌درنگ پس از پایان حمله هوایی در دستور کار قرار گرفت. در سال ۷۹ ساختار سازمانی خطوط لوله و مخابرات از «مدیریت» به «شرکت» تغییر یافت و مهندس صابرنژاد با عنوان مدیر مهندسی و طرح‌ها و عضو هیأت مدیره شرکت خطوط لوله و مخابرات به خدمت ادامه داد. وی در آبان سال ۸۳ به افتخار بازنشستگی نایل شد.

خطوط لوله و مخابرات پس از ۴۰ سال خدمت چه جایگاهی در ذهن شما دارد و در چه شرایطی از کارتان رضایت بیشتری داشتید؟

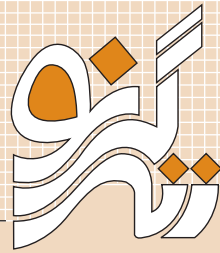
خطوط لوله و مخابرات نفت، شرکتی است که باید به شیوه مدیریت کارفرمایی اداره شود. این مجموعه، نبض ترابری کشور در بخش انرژی به شمار می‌آید و بیش از ۶۰ درصد عملیات حمل و نقل نفت و فرآورده‌های نفتی را انجام می‌دهد. فعالیت این تشکیلات تخصصی، بزرگ و گسترده و حساس و متنوع است و بخش خصوصی توان انجام آن را ندارد. از سوی دیگر، نیازهای عملیاتی با اجرای طرح بازسازی و نوسازی پالایشگاه‌ها و تولید بنزین به میزان نیاز کشور در آینده افزایش خواهد یافت و این تنها بخش دولتی و نظام کارفرمایی است که می‌تواند کارها را انجام دهد و پیش برود.

خدمت پنهان

چهل سال و چهار ماه در شرکت خطوط لوله و مخابرات خدمت کردم و همان‌جا بازنشسته شدم. دوستان می‌دانند که همیشه کار در این مجموعه را «خدمت پنهان» می‌دانستم و با این عبارت از آن یاد می‌کردم. خدمت پنهان یعنی این که کمتر کسی می‌داند چه خدمتی ارایه می‌کنی اما خودت می‌دانی چه کاری انجام می‌دهی. بنابراین از خدمتی که انجام می‌دهی راضی و خرسندی و این رضایتمندی سبب دلگرمی‌ات می‌شود. با این تعبیر در همه سال‌هایی که خدمت پنهان انجام می‌دادم، راضی بودم و از سختی‌ها و ناکامی‌ها نمی‌هراسیدم.

ممکن است مثالی بیاورید؟

تصور کنید: خط لوله در نقطه‌ای ناهموار و صعب‌العبور آسیب‌دیده و جاری شدن نفت بر سطح زمین وضعیتی مخاطره‌آمیز به وجود آورده و بوی تند و زننده گاز در هوا پیچیده است. گروه تعمیرات پس از جست‌وجو و یافتن محل حادثه، در آن جهنم بالقوه مستقر شده و مصمم است اوضاع را کنترل کند و به حالت اولیه بازگرداند اما چگونه و با استفاده از کدام روش؟



خبر

موفقیت علمی

در دوازدهمین کنفرانس سراسری مهندسی برق ایران که با شرکت دانشگاه‌های معتبر کشور در تبریز برگزار شد، مقاله «بررسی تغییر در عملکرد ترانزیستورهای اثر میدانی نانو لوله کربنی بر مبنای تغییر طول کانال و چگالی ناخالصی» نوشته شاهین قربانی زاده شیرازی فرزند همکار بازنشسته آقای محمد قربانی زاده شیرازی به عنوان مقاله برتر در گرایش الکترونیک انتخاب شد و با اهدای لوح برتر مورد تقدیر قرار گرفت. پیش از این مقاله دیگری از آقای قربانی زاده شیرازی در دومین کنفرانس مهندسی برق والکترونیک ایران در گناباد پذیرفته و به صورت سخنرانی ارائه شده بود.

کسب عنوان در کاراته

محمدکرم گنجه فرزند همکار بازنشسته آقای علیرضا کرم گنجه در سیزدهمین دوره مسابقات کاراته قهرمانی کشور در سبک کاراته دو در رده جوانان، وزن ۵۵ کیلوگرم به مقام سوم دست یافته است.

موفقیت ورزشی

تیم ملی بسکتبال نوجوانان ایران در جریان رقابت‌های بسکتبال نوجوانان غرب آسیا در کشور لبنان به مقام قهرمانی و مدال طلا دست یافت. مربی گری این تیم را آقای امیر مومری فرزند همکار بازنشسته آقای پرویز مومری برعهده داشت.

تسلیمت

■ کارکنان نشریه زندگی نو مصیبت وارده را به جناب آقای حاجی صادق و خانواده محترمشان صمیمانه تسلیم می‌گویند.
■ کارکنان دفتر نمایندگی سراسر کشور، طی اطلاعیه‌هایی جداگانه، مصیبت وارده را به جناب آقای حاجی صادق تسلیم گفته‌اند.
■ کارکنان نشریه زندگی نو، مصیبت وارده را به سرکار خانم آستان بوس صمیمانه تسلیم می‌گویند.
■ کارکنان دفتر نمایندگی شیراز مصیبت وارده را به همکار بازنشسته سرکار خانم قائدی، صمیمانه تسلیم می‌گویند.
■ کارکنان دفتر نمایندگی بهبهان، درگذشت مادر همکار بازنشسته آقای غلامعلی پژمان را به ایشان و بازماندگان تسلیم می‌گویند.
■ هیأت مدیره و بازرسان کانون بازنشستگان صنعت نفت فارس مصیبت‌های وارده را به همکار بازنشسته گرامی آقای محمدعلی سعیدپور صمیمانه تسلیم می‌گویند.
■ هیأت مدیره کانون کارمندان باننشسته تهران مصیبت وارده را به آقایان مهندس حسن نیک‌گو، سیفا... برجانی، زینال رضاپور، ابراهیم محمودانی و خانواده محترم مرحوم محموداسدی دزفولی صمیمانه تسلیم می‌گویند.
■ کارکنان دفتر نمایندگی شهرری، مصیبت وارده را به همکار بازنشسته گرامی آقای حسن نعیمی، صمیمانه تسلیم می‌گویند.

جشن میلاد امام رضا(ع)

مجلس که اغلب بازنشستگان همراه با خانواده‌هایشان شرکت داشتند، موسیقی زنده و مولودخوانی و دکلمه اجرا شد و در خاتمه از شرکت‌کنندگان پذیرایی به عمل آمد.

به مناسبت میلاد با سعادت حضرت امام رضا(ع) مجلس جشنی ویژه بازنشستگان و بازماندگان در محل کانون بازنشستگان صنعت نفت استان فارس برگزار گردید. در این

در نامه‌ای به رییس جمهور

بازنشستگان اصفهانی خواستار دریافت سهام پالایشگاه شدند

حالی که کارکنان شاغل رسمی و نیز تعدادی از افراد قراردادی مشمول چنین طرحی قرار گرفته‌اند. بازنشستگان اصفهانی در پایان نامه خود تقاضا کرده‌اند نسبت به واگذاری سهام به کارکنان بازنشسته همانند دیگر کارکنان، اقدام شود.

گروهی از بازنشستگان اصفهانی با امضای نامه‌ای خطاب به رییس جمهور خواستار برخورداری از سهام پالایشگاه اصفهان شدند. بازنشستگان اصفهانی در نامه خود یادآور شده‌اند: متأسفانه کارکنان بازنشسته پالایشگاه اصفهان در طرح واگذاری سهام این پالایشگاه نادیده گرفته شده‌اند، در

زایر سرای مشهد ۱۳ساله شد



همزمان با میلاد امام رضا(ع)، سیزدهمین سالگرد تأسیس زایر سرای مشهد با مراسمی ویژه برپا شد. در این مراسم که با حضور گروهی از مسؤولان وزارت نفت برگزار شد، از کارکنان نمونه زایر سرا تقدیر به عمل آمد. اجرای برنامه‌های شاد و برگزاری مسابقات از جمله برنامه‌های این جشن بود. آقای علیرضا مدیر جدید زایر سرا در جریان برگزاری این مراسم تقاضا کرد برای کارکنان زحمتکشی که طی این سال‌ها در این مجموعه به کار و تلاش پرداخته‌اند، امکانات و خدمات لازم در نظر گرفته شود.

آیین ویژه هفته سالمند در اهواز

صنعت نفت خوزستان و یکی از متخصصان طب سالمندی به سخنرانی پرداختند. مراسم ویژه هفته سالمند با انجام بحث‌های کارشناسی درحوزه تخصصی طب سالمندی ادامه پیدا کرد و با پذیرایی از حضار خاتمه یافت.

به مناسبت هفته سالمند، مراسمی باحضور بیش از ۱۵۰ نفر از بازنشستگان و خانواده‌های آنان در اهواز برگزار شد. در این مراسم دکتر دهقان رییس بیمارستان بزرگ نفت اهواز، رؤسای دفاتر نمایندگی، رییس کانون کارمندان بازنشسته

صعود به قله کرکس



بازنشستگان کوهنورد شرکت ملی پالایش و پخش، طی یک برنامه سه روزه به قله ۲۹۰۰ متری کرکس صعود کردند. در این صعود که از سوی امور ورزش شرکت ملی مهندسی ساختمان نفت ایران ترتیب یافته بود ۱۲ تن از کوهنوردان بازنشسته این شرکت حضور داشتند. شرکت‌کنندگان در این صعود عبارت بودند از آقایان: امینیان، لنگرانی، صادقی، صادق زاده، گلی پور، کرمانشاهی، نوری، خادمی، رضانی، خطیبی، کوچک‌زاد و نوران.

جشن دانشجویان و دانش‌آموزان ممتاز در بهبهان



جشن بزرگ دانشجویان و دانش‌آموزان ممتاز بهبهان، باحضور گروه زیادی از خانواده‌های بازنشستگان در تالار «مارون» این شهر برگزار شد. به گزارش دفتر نمایندگی بهبهان، در این جشن که با برنامه‌های متنوع فراوانی همراه بود، افزون بر اهدای لوح تقدیر به دانشجویان و دانش‌آموزان ممتاز، به ۱۵ نفر از شرکت‌کنندگان در مسابقه نیز به قید قرعه هدایایی تعلق گرفت و از ۳ مادر نمونه نیز تقدیر به عمل آمد.

صعود بانوان کوهنورد کانون بازنشستگان تهران بر ستیغ توچال



گروه بانوان کوهنورد کانون کارمندان بازنشسته تهران طی برنامه‌ای از پیش تنظیم شده، قله توچال در ارتفاع ۳۹۶۰ متری را فتح کردند. شرکت‌کنندگان در این برنامه عبارت بودند از خانم‌ها: هما صفری، لیدا کاشانی، طلعت طهاسی، لیلا براتی، صفورا فراهانی، سیما صالح پور، فریده ذباح، شایسته اطمینان، فریبا حسن زاده، فاطمه رهبر، زهرا هدایتی و نصرت مشکوری مقدم. شاپان ذکر است که این صعود به سرپرستی خانم مشکوری صورت گرفته است.